

اُمید

در امریکانته

\$1.50

مقتضای مردم افغانستان

شماره هشتم / سال سی و دوم / ۲۹ عقرب ۱۴۰۲ / ۲۱ نومبر ۲۰۲۳ / شماره مسلسل ۱۱۱۲

ته که ناخوانده‌های علم سماوات

ته که سود و زیان خود ندانی

ته که ناخوانده‌های علم سماوات

ته که سود و زیان خود ندانی

استاد محمد محقق

کانادا

وودبریج، ورجینیا

داکتر سیدمخدوم رهین

زلزله پیوندی با گناه ندارد

شماری از ملاحی کم‌سواد فاجعه اخیر هرات و زلزله‌ای را که رخ داد به گناهان مردم پیوند می‌زنند. آنان با این کار، مردمی را که نیاز به آرامش روحی دارند بیش‌تر در معرض شکنجه روانی قرار می‌دهند که گویا گناهان‌شان سبب این مصیبت شده است. کسی نیست پیرسد که اگر چنین است پس چرا این مصیبت‌ها به سراغ مردمان محرومی می‌رود که نه نقشی در انتحار و انفجار داشته‌اند، نه در ایجاد شبکه‌های بین‌المللی قاچاق مواد مخدر، و نه در به راه انداختن جنگ‌های ویران‌گر؟ این کار توهین به خداست و او را موجودی ظالم و بی‌شعور نشان می‌دهد که توان تفکیک بین نیکوکار و بدکار را ندارد.. العیاذ بالله.

زلزله دلایل مشخص فیزیکی دارد و از نظر علمی کاملاً توضیح داده شده است. حوادث طبیعی تابع قوانین خاصی است و آن‌ها را در زبان دین "سنت‌های تکوینی" می‌گویند. از شصت و پنج میلیون سال قبل که دایناسور‌ها در زمین بودند، و هنوز آدمی در این جا پیدا نشده بود و هیچ گناهی هم رخ نمی‌داد، فاجعه‌های طبیعی اتفاق می‌افتاد و این داستان پیوسته جریان داشته است، گاهی در مقیاس بسیار کلان و گاهی در مقیاس‌های محدودتر. هم اکنون زلزله‌ها، طوفان‌ها و حوادث مشابه در سیرات دیگر نیز رخ می‌دهد، هم در منظومه شمسی ما و هم در منظومه‌های دیگر، چه در کهکشان راه شیری و چه در کهکشان‌های دورتر، و دلایل آنرا علم فیزیک توضیح می‌دهد.

اگر هدف از این نوع اندرزاها و هشدارها تربیت و اصلاح جامعه است، باید بدانند که برای بالا بردن سطح اخلاقی جامعه و

نخواست مردی بدان شجاعت و محبوبیت با او درمقرر خلافت حضور داشته باشد. و چون از نفوذ و اقتدار اومی هراسید کنیز زیبارویی رابه او تحفه داد و نهانی اورا وظیفه داد تا هرگاه طاهر در مقام مخالفت بادستگاه خلافت برخیزد، وی رامسموم سازد، و به روایتی وزیرخلیفه آشپزماهری به طاهر فرستاد و چنین وظیفه یی به وی داد.

طاهر به خراسان آمد و پس از چندی، در یک روز آدینه در مسجد بزرگ جامع نام خلیفه را از خطبه بینداخت و دعا کرد که خداوندا کارمارا اصلاح کن تا خون مارا بناحق نریزد. خداوندا مارا از آنانی که برما ظلم کرده اند بی نیازبدار!

بدین گونه از اوایل قرن سوم هجری باین سخنان طاهر فوشنجی در فوشنج آن روز و زنده جان مصیبت کشیده امروز کشور خراسان برای همیشه از استیلای عرب آزادشد و از آن پس رابطه خراسان با دربار خلافت به صورت صرف تشریفاتی باقی ماند.

طاهر در پایان همان روزی که با افگندن نام مأمون از خطبه و ایراد چنان سخنانی استقلال کشورش را اعلام داشت، جسد بیجانش را در بسترش یافتند. طاهر رابه خاطر شجاعتش که دشمن نامداری را با شمشیری که به دودست گرفته بود، ذوالمیین لقب دادند، یعنی صاحب دودست راست.

او مردم قلم و ادب نیز بود. وقتی فرزندش عبدالله به حکومت مصر گماشته شد، نامه یی به او فرستاد دریند و اندرز که از آیین کشورداری و مردم داری تا تربیت و تدبیر و خدمت به خلق خدا نکات بدیعی در برداشت که نظیر چنان پندنامه یی در تاریخ کمتر دیده شده است.

پس از وی فرزندش عبدالله باشیوه مرضیه یی حکومت کرد. او نیز مرد شجاع و فاضل و نیک نام بود و شاعران جوانمردی و سخاوتمند را ستوده اند. از اقوال اوست که گفت: پر کردن کیسه و حصول نام نیک با هم جمع نمی شود.

روان طاهر و عبدالله و قربانیان زادگاه طاهر در زلزله بیرحم اخیر شاد باد ! /

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

نگارش محمد

افضل ناصری

را علاقمندان

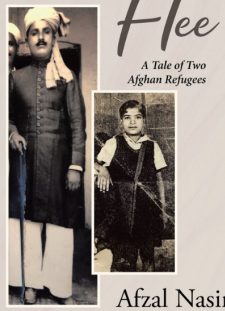
از امزون به

دست آورده

می توانند.

Amazon.com

amazon



و داشتن‌شان به ترک بزهکاری راه‌های سالمی وجود دارد و همه در علوم تربیتی توضیح داده شده، و نیازی به این خزعبلات نمانده است. تاکید بر این که با ترک گناهان از حدوث زلزله جلوگیری می‌شود کاملاً غلط است. وانگهی این مردم مسکین چه فرصتی برای گناه داشته‌اند؟ اگر گناهی هست دین‌فروشی است، آدم‌کشی است، انتحار است، انفجار است، محاکمه صحرایی است و صدها عمل دیگری که صاحبان‌شان بی‌مجازات می‌مانند.

برای پیش‌گیری از آسیب‌های زلزله و دیگر فاجعه‌های طبیعی باید از علم کمک گرفت. باید دانش زمین‌شناسی را مهم‌تر از فقه دانست. باید روش‌های ساختمان‌سازی را بهبود بخشید و خانه‌های مستحکم‌تر ساخت. باید مناطق آسیب‌پذیر را مشخص، و نقشه شهرسازی را اصلاح کرد. باید مردم را برای حالات اضطراری و رویدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر آموزش داد. باید از تجربه جاپان و کوریا و بسیاری کشورهای دیگر در دنیا بهره جست و آن‌ها را به کار بست. نباید به مردم آدرس غلط داد و موجب تکرار فاجعه و افزایش تلفات شد. نباید انسان‌های درهم‌شکسته و ویران را با عذاب‌های روحی بیش‌تر شکنجه کرد.

بازنگری در سامانه‌های الهیاتی؛

برای ورود بهتر به این موضوع ترجیح دارد که پیوند جهان‌شناسی و خداشناسی و بازتاب یکی بر دیگری را در نظر بگیریم. بسیاری از دوستان منتقد گرفتار جهان‌شناسی بطلمیوسی هستند که چند هزار سال قبل در یونان ارائه شده است، و بر اساس آن، کاینات مانند یک دانه پیاز است، که زمین در مرکز آن قرار دارد و نه فلک یا هفت آسمان به شکل پوسته پیاز به گرداگرد آن احاطه کرده است. بر اساس این دیدگاه، میان زمین و آسمان اول یا زمین و فلک اول فاصله فیزیکی مشخصی وجود دارد که می‌شود آن را پیمود و به آسمان رسید. به همین ترتیب، میان آسمان اول تا آسمان هفتم یا فلک اول تا فلک نهم نیز فاصله‌های فیزیکی مشخص دیگری وجود دارد، که هر گاه پیموده شود به آن سوی هفت آسمان می‌رسیم که عرش الهی است، جایی که خدا کرسی خود را بر آن نهاده و به صورت بلاکیف بر آن تکیه زده است. او گویا از آن جا به زمین می‌نگرد و همه چیز را لحظه به لحظه مدیریت می‌کند. این جهان‌شناسی در قدیم که ابزار و امکاناتی برای دیدن و سنجیدن نظام کاینات وجود نداشت طبیعی و پذیرفتنی به نظر می‌رسید، و از این رو در آن زمان علاوه بر یونانیان، در میان دیگر ملت‌های جهان نیز گسترش یافت، و مسلمانان قدیم هم آن را از نوع مسلمانات علمی و عقلی دانسته و در شمار مسلمانات دینی قرار دادند، به ویژه آن‌که با ظاهر برخی از آیات قرآنی تناسب داشت.

جهان‌شناسی مدرن کاملاً با این برداشت متفاوت است، زیرا تلکسکوپ‌های قوی و دستگاه‌هایی که یافته‌های آن‌ها را تجزیه و تحلیل و بازسازی می‌کند، دامنه دید بشر را گسترش داده است و امروزه می‌دانیم که تنها در بخش قابل دید جهان، visible universe، تخمیناً هشتصد میلیارد کهکشان وجود دارد، و احتمال دارد در آینده با اکتشافات بیش‌تر بر این شمار افزوده شود. بر اساس جدیدترین یافته‌ها، کوچکترین کهکشان‌ها در حدود صد میلیارد ستاره، کهکشان‌های بزرگ صدها میلیارد ستاره، و کهکشان‌های غول‌پیکر بیش از یک تریلیون، یعنی هزار میلیارد، ستاره دارند.

شماری از ستاره‌ها در برخی از کهکشان‌ها به اندازه خورشید ماست، که نزدیک به یک میلیون برابر زمین ما حجم دارد، اما ستاره‌های غول‌پیکری هستند که یک میلیون برابر خورشید یا حتی کلان‌تر از آنند. به همین شکل است سیاه‌چاله‌های غول‌پیکر که میلیون‌ها ستاره به حجم خورشید ما در آن‌ها گم می‌شوند. این‌ها تنها آمارهای تخمینی و تقریبی است. بگذریم از انفجارها، برخوردها و تحولات شگرفی که در هر بخش از این هستی بزرگ رخ می‌دهد. برای آشنایی بیش‌تر با این مبحث باید به منابع تخصصی مراجعه کرد. (دنباله در صفحه هشت)

افغان مینی مارکیت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

هرات پرافتخار!

دردت به جانم شهر ظاهر ویران شد

در روزگار سیهایی که محنت هاومصایب بیکران برملت دردمند ماهجوم آورده و گوش و چشم بشریت مدعی انسان دوستی وهم نوع پروری، جز آنجا که پای سود ومنفعت شان باشد، کوراست. زمین لرزه مدهش هرات بویژه شهر و روستاهای زنده جان وتلف شدن کثیری از مردم وبی خانمان شدن هزاران خانواده و دردمانوسوز مردمی که کسی به یاد و درغم شان نیست، آتش بجان هرات باعاطفه انسانی می افکند.

زنده جان در نزدیکی شهر هرات از مناطق حاصل خیز وشاداب هرات، همان فوشنج یا پوشنگ است که خرمی وطراوت وباغ های پردرختان میوه دارآن در آثار گذشتگان نیز بازتاب داردوبه قول معجم البلدان، رجال بسیاری از اهل علم از آنجا برخاسته است.

فوشنج شهر محبوب طاهر فوشنجی

بود، همان مردی که پس از غلبه فرماندهان بیگانه واستیلای دوصدواند ساله شان، ندای آزادی خراسان را خروشید و جان برسراین کار نهاد.

طاهر در تحولات سرنوشت ساز جهان اسلام نقش بزرگی ایفا کرد، بدین معنی که پس از مرگ هارون الرشید خلیفه معروف عباسی، حسب وصیت او سرزمین پهناور خلافت میان دو فرزندش امین ومأمون تقسیم شد. دارالخلافت بغداد وسرزمین های وسیع اطراف آن به امین رسید و خراسان ومناطق پیرامون آن به مأمون. امین فرزند زبیده بود، ملکه بانفوذ هارون واز خانواده او. هارون به همین مناسبت بیشتر مایل به سوی امین بود. امین جوان بی کفایت و دوستدار عیش ونوش ومصابت پسران نوجوان بود، بارسیدن به قدرت به جنگ برادرش مأمون لشکر بزرگی فرستاد ومأمون در کار او درماند. اینجا بود که طاهر به فرماندهی سپاه خراسان چنان باشجاعت وتدبیر بابه صحنه گذاشت که نیروهای بزرگ نظامی بغداد رایکی پس از دیگری درهم شکست وفاتحانه وارد بغداد شد و پس از آوردن نظم و آرامش در آن شهر بزرگ به مأمون اطلاع داد. مأمون بدلی شادمان از خراسان به سوی بغداد شتافت و پیش از ترک خراسان مالیات یک ساله به مردم بخشید. مردم خراسان شاد بودند و می گفتند مأمون پسر عم پیامبر وخواهرزاده ماست. این رابدان جهت می گفتند که مادر مأمون دختر استازسیس بود و وی مردی بود از بادغیس که چون جعفر منصور نامردانه ابومسلم را بکشت با آن همه خدمتی که در آوردن عباسیان به قدرت کرده بودند، استازسیس به غرض خونخواهی ابومسلم با یک صد هزار سپاهی از خراسان به راه افتاد ومی گویند چنان خشمگین بود که می گفت خانه کعبه را ویران خواهد کرد. بر اثر حوادثی اوشکست خورد و کشته شد و کسانش از جمله دخترش که مراجل نام داشت اسیر شد و او رابه اسارت به بغداد بردند. هارون رشید او رابه حرم خویش برد ومأمون از او بدنیامد.

طاهر در بغداد به منزلت وموقعیت های بزرگ دست یافت. روزی که بزرگان بغداد به تهنیت او آمده بودند، چهره اش گرفته بود. از او پرسیدند که در چنین روزی که موقعیت های بزرگ یافته ای علت شاد نبودنت چیست؟

گفت: شاد نیستم، زیرا زنان پوشنگ(فوشنج) را برام هانمی بینم که مرا تهنیت وشادباش گویند. به قول خداوند بلخ: گر به غربت روم بینی یا ختن از دل تو کی رود حب وطن سرانجام مأمون اورابه امارت خراسان گماشت وشاید

انجنیر عبدالصبور فروزان نیوجرسی

تاراج زغال سنگ توسط طالبان فاجعه یی برای وطن و مردم

کشورمادارای ذخایر هنگفت زغالسنگ بوده که در دو حوزه ترسباتی قرار دارد. یکی پلتفورم شمال و دیگری درحوزه ترسباتی کنواز. زغالسنگ شمال ازدوره تریاسیک یعنی دو صد میلیون سال قبل میباشد که در نتیجه حرکات تکتونیکی و فعالیتهای ولکانیکی تحول بیشتر نموده و به زغالسنگ تبدیل شده که بر علاوه منبع تولید انرژی اهمیت صنعتی هم داشته و برای صنایع فولادسازی مساعد است. یکی از این معادن درجهٔ اعلی درنایه شباشک قرارداد که درجهٔ تحول آن بالاتر از انتراسایت است که ارزش فوق العاده صنعتی داشته و درجهان به ندرت پیدامیشود، از جملهٔ باارزترین و قیمت ترین نوع زغالسنگ که در صنایع خاص و حساس از آن استفاده میشود.

ذخایر زغالسنگی که درحوزهٔ کنواز تشکیل شده، در دوره های جوان جیولوجیکی یعنی سنوزوئیک یعنی در حدود هفتاد میلیون سال قبل تشکیل شده است، از حرکات تکتونیک والکانیکی متاثر نشده بجز از مراحل نخستین زغال سنگ، روی این ملحوظ از نوع زغالسنگ صنعتی بشمار نمیرود ولی برای تولید انرژی از آن میتوان استفاده نمود.

طبقات زغالدار که در میان طبقات دیگر احجار، عمدتاً احجار ترسباتی بحالت طبیعی (ستراتیگرافی) قراردادند، تأثیرات مشهودی در بالای محیط زیست، آب، خاک، هوا و صحت عامه نداشته ولی زمانیکه این طبقات زغالدار توسط فعالیتهای استخراجی مختل میشوند به فاکتورهای اساسی و خطرناکی مبدل شده صدمات شدید و جبران ناپذیر و برگشت ناپذیری بالای مناطق همجوار معادن حتی مناطق دورتر، صحت انسانهایی که در معادن کاری نمایند و باشندگان اطراف و نواحی معادن، مزارع، آبهای جاری و زیرزمینی، اشجار و حیات آب (ماهیان) وارد می نماید. تجربه نشان داده درجا هایی که زغالسنگ استخراج میشود مردم منطقه با گذشت هر روز فقیرتر شده علیل و بیمار لاعلاج میشوند و سرانجام منطقه غربت زده مبدل میگردد. روی همین ملحوظ است که کشور های پیشرفتهٔ جهان بخصوص ایالات متحده با وجود ضرورت حاد برای انرژی درصدد است تا حد امکان از استخراج معادن زغالسنگ خودداری نماید و به میزان خیلی کم از آن برای تولید انرژی استفاده میکند، تاضرری به محیط زیست و صحت شهروندان نرسد.

این کشورها بر علاوه احتیاط فوق العاده در حین استخراج زغالسنگ، نواحی را که از آن زغالسنگ استخراج مینمایند بعد از تهی شدن معادن، آن مناطق را با خاک زراعتی دوباره به زمین زراعتی و سرسبز و قابل نشیمن عوض میکنند. این عملیه بنام (Land Reclamation) یاد میشود و این یک اصل اساسی است بدون داشتن این پلان مشخص به استخراج معادن زغالسنگ هرگز اجازه داده نمیشود. دولت‌ها به اساس قانون کمپنی رامکلف میدانند تا یک مقدار پول هنگفت را پس از آغاز استخراج زغالسنگ در حسابات خاص ذخیره نمایند و بدون اجازهٔ دولت از آن پول استفاده شده نمیتواند. هرگاه کمپنی بنا بر علتی فعالیت استخراجی خود را توقف دهد و یا ورشکست شود، دولت از آن پول ذخیره را برای احیای مجدد آن مناطق و تبدیل آنها به ساحات سرسبز مسکونی مصرف مینماید.

چین و هندوستان دو کشور بدنامی اند که قوانین و استانداردهای سهل استخراج معادن را دارند و از جملهٔ آلوده ترین کشورهایی اند که سالانه میلیونها تن از شهر و ندان شان به امراض ناشی از آلودگیهای زغالسنگ مبتلا شده میمیرند. هزاران تن دیگر با انواع مختلفهٔ سرطان ناشی از استخراج زغالسنگ دست به گریبانند. چین کشوریست که همواره در تلاش خرید معادن در کشورهای عقب مانده و کشورهای دارای زمامداران فاسد میباشد و به آن زمامداران رشوه و پول مخفی داده معادن شانرا نه تنها به قیمت ناچیز میخرند بلکه در استخراج معادن چنان کشور هیچ نوع نورم و استاندارد معمول را مراعات نمی نماید، چه بهر اندازهٔ که قوانین و دستاویز مصوبیتی معادن در نظر گرفته نشود بهمان اندازه استخراج ارزاتر و مفاد بیشتر و ضرر محیطی و صحتی آن هولناکتر و جبران ناپذیرتر می باشد.

چینیایی ها و هندی ها بر اساس همین محاسبه بود که خوشنودی گری و غنی احمدزی را حاصل نموده و با دادن رشوت مس عینک را که بزرگترین معدن مس جهان در شرایط کنونی است، چینیایی ها معدن آهن حاجیگک را که از نگاه کیفیت درجهان بی نظیر است خریدند آنهم به نرخ کاه ماش (مس عینک به

قیمت سه بلیون دالر فروخته شد در حالیکه ارزش آن در همانسال با اساس نورمهای بین المللی هشتاد و دو بلیون دالر بود.) به این ترتیب حامد گری و غنی احمدزی نه تنها کشور را از داشتن منبع وسیع معدنی برای ایدم محروم و امکانات صنعتی شدن کشور را ازین برده اند، بلکه صحت و زندگی مردم ما را نیز در صورت شروع استخراج ایندو معدن بصورت نابخشودنی خدشه دار ساخته اند. در صورت آغاز استخراج این دو معدن ملیونها موطن مادر کابل، لوگر، جلال آباد و بامیان به امراض سرطانی لاعلاج و مدهش مبتلا میشوند.

اکثر کشورهای اروپایی و امریکا قوانین و استانداردهای خیلی ضیق برای استخراج معادن بخصوص استخراج زغالسنگ را دارند ولی کشورهای آسیایی و افریقایی که اکثر سیستم های فاسد دولتی دارند و معادن شان به کمپنی های خارجی روی معاملات ناپاک فروخته شده اند، این رذالتهای در مورد طالبان بیشتر صدق میکنند، آنها به عجلهٔ دور از تصور در استخراج زغالسنگ کشور و انتقال آن به پاکستان مصروف اند.

در اینجا میخواهم از کشور جاپان یادآوری نمایم که در آنجا پیش از اینکه زغالسنگ استخراج شده را بیرون به سط زمین بیاورند، آنرا با گاز امونیا شستشو مینمایند تا تأثیرات منفی آن بر محیط زیست و صحت عامه کاهش یابد. استخراج معادن زغالسنگ نسبت به استخراج اکثریت معادن فلزی و غیر فلزی اضرار بیشتر صحتی و محیطی دارد و با خطرات جانی فوق العاده همراه میباشد، و معمولاً بدو طریق صورت میگردد، یکی استخراج زیرزمینی *under ground* و دیگری استخراج *open cast*. در هر دو صورت به اندازهٔ وسیع خاک از ناحیهٔ معدن بیجا میشود و تا طبقات زغال برسد و آمادهٔ استخراج گردد. معمولاً این مقدار خاک که اندازهٔ آن خیلی هاز یاد میباشد در نواحی اطراف معادن انبار میشوند که در کشورهای پیشرفته خاک سالم از نواحی دیگر آورده با آن مخلوط میگردد، حتی بعضاً آنها را بکلی با خاکهای سالم تعویض مینمایند. ولی در کشورهای عقب مانده انبارهای وسیع خاکهای معدن زغال در مناطق اطراف معدن مثل کوه بچه ها ایجاد میکنند، مسیر آبهای جاری را مسدود ساخته سبب آمدن سیلابها و لغزش زمین شده خانه های قریه های همجوار را آسیب رسانده و باشندگان را دچار صدمات مالی و جانی میسازند.

این وضعیت در افغانستان بدتر از آنچه ذکر شده میباشد، قبل از بقدرت رساندن طالبها، عدهٔ زیاد سر کرده های شان در نواحی که معادن زغالسنگ را تصاحب نموده بودند و بصورت غیرفنی استخراج و به پاکستان قاچاق میکردند اما پس از غصب قدرت این وضع وخامت بیشتر یافته که به یک فاجعهٔ بزرگ برای وطن و مردم ماتبدیل شده است. طالبان به فرمایش پاکستان معادن زغالسنگ کشور را به عجله بی استخراج میکنند که هرگز سابقه نداشته و طوریکه راپورها نشان میدهد روزانه بین هفده هزار تا بیست و یک هزار تن زغالسنگ را طالبان به پاکستان انتقال میدهند. این کار سبب شده تا کوه بچه های خاکهای معادن به اندازهٔ زیاد شده که توپوگرافی آن مناطق را عوض کرده گرد و غبار زغال در قریه های اطراف معادن و سرکها و زمینهای زراعتی و در دیوارخانه های مردم را دودهٔ سیاه زغال سیاه رنگ ساخته عوارض نفس تنگی و تکالیف تنفسی در میان مردم آن مناطق بصورت چشمگیری افزایش یافته است. پاکستان مصمم است تا زمانیکه طالبان در قدرت اند از فرصت استفادهٔ اعظمی نموده و مقدار هر چه بیشتر زغالسنگ را به کشور خود انتقال دهد.

از طرفی در طبقات زغال اکثراً منرالی بنام پیرایت موجود است که سلفاید آهن میباشد. وقتی که این منرال با آب در تماس شود تعامل نموه و تیزاب سلفر را بوجود میآورد که زمینیهٔ حل و انتقال عناصر ثقیله را سریعتر ساخته و آنها را به ذرات کوچک کلوئیدی تبدیل میشوند که به سهولت توسط محصولات زراعتی، میوه جات، سبزیجات جذب شده و داخل وجود انسان میگردد. بر علاوهٔ این آنها بکتریهای مفید و حیات میکروسکوپی را از بین برده موجب افزایش مقدار اوکساید های نایتروجن سرطان زا بوده ساکنین قریه های جوار معادن به مرور زمان به امراض مختلفهٔ سرطانی دچار میشوند. این آبهای تیزابی کیفیت خاکهای زراعتی را تغییر داده نباتات در چنین خاکها به شکل سالم نمی رویند که به مرور زمان سبب از بین رفتن مزارع میگردد.

به این ترتیب طالبان از یکجانب معادن زغال کشور را تهی می سازند و از جانب دیگر بعد از چندسال زمین های زراعتی را از بین می برند. // (دنباله دارد)

در صفوف مجاهدین پشتون نشین دیده نشد علت عمدهٔ آنرا در ساختار فرسوده قبایل پشتون و تخریبات ای اس ای پاکستان جست وجو نمود.

شورای نظار نه تنها یک دستگاه جنگی بود بلکه در خود تقریباً علام یک سازمانی را دارا بود مثلاً انکشاف زراعتی رونق سیستم آبیاری بهتر و ارتقای مولدیت در مالداری، سیستم کمکهای بشری به آسیب دیدگان جنگ و رسیدگی بازماندگان شهدای جنگی و غیره. (دنباله در صفحهٔ ۷)

سید آقا هنری

هامبورگ ، آلمان

ره و رسم فرمان روایان شناسم خران بر سر بام ویوسف به چاهی

(زبور عجم، علامه اقبال لاهوری)

احمد شاه درانی خود را دُرُدران می نامید و اساس اپارتاید را بنیاد نهاد؛ پسرش تیمورشاه سه صد زن در حرمش داشت و در هر هفته یک دختر با کره برایشان افزود میشد، به چه تعداد از خود وارث گذاشت اما جانشینش را تعیین نکرد بعد مرگ ناگهانی وی، زمان شاه پسرش هفت تن از خواهران و برادران و خود را حبس و از قندهار به کابل آورد، گرچه وی وطن دوست، شجاع و ضد انگریز بود اما برادرش شاه محمود به کمک ایران ویرا عزل و کور کرد، بعد از آن روی آرامی را ندیدیم.

پوپلزایی محمدزایی را نتخواست غلزایی سدوزایی رانمی خواست و... جوپهای خون از مردم عام روان میشد اما بقول دانشمند خردمند صباح الدین کشکی پسران کا کا در باغی واقع مقر باهم توت میخوردند.

از این ماجرا انگریز روسیه امریکا و حتی پاکستان که هنوز چارگوک میکند سوء استفاده کردند و حتی نام وطن ما را از خراسان به اوغانستان تبدیل و بعد از آن دست نشاندگان خود را تا امروزه استثنای دوسه مورد بر ما تحمیل کردند.

البته این ماجرا نظریه تقاضای مرور زمان تغییر شکل میداد به خصوص در دوران دیره دونی ها که روعسای دفاتر صدراعظم ها را وعده به مقام های بالا، ماهانه مدد معاش، دومی ترس و رعب خوش آمد و پیش آمد رنگارنگ جلب میکردند که برای سردار داوود حسن شرق، برای داکتر یوسف داکتر سهیل، برای شهید میوندوال شاه محمد دوست، نور احمد اعتمادی که خود دست نشانده روس بود و بهمین سبب بامرض اعصاب معمولی که محمد زایب داشتند طولیترین مدت قریب چهار سال به مقامش ماند. در زمان وی یگانه جریده که فعالیت داشت پرچم بود و بر ژنرف مدال عالی لینن را به سینه اش کوید! این جواسیس قربانیهای خود را قدم بقدم تعقیب میکردند، شاه محمد دوست و قتیکه میوندوال در امریکا و دوبار در پاکستان سفیر بود و در وزارت اطلاعات و فرهنگ و دورهٔ صدارتش رئیس دفترش شد که سایه وار تعقیبش میکرد. البته کارنامهٔ حسن شرق آفتابی است.

این جریانات را بوجه احسن ساده و مستند، بزرگواردا کتر حیدر یار کزایی استاد و رئیس دانشگاه کابل در کتاب افغانستان در قرن بیست، موانع تاریخی در راه استقرار دولت قانون درین کشور آورده اند دورهٔ حکومت شهید را چنین یادآوری کرده اند: «میوندوال شخص متجسس مبتکر و کنجکاو بود. بر علاوه این صفات با مطالعه نیز بود، یک کتابخانه کافی بزرگ و مملو از کتب به السنه انگلیسی؛ فرانسوی؛ و فارسی داشت. میوندوال مرحوم را هرگز از نزدیک ندیده بودم در و آخر سال ۱۹۶۵ توسط دو همکارم در فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی محمد انور ارغندیوال و محمد احسان ترکی (روستامل ترکی) با او معرفت پیدا شد و از من خواست کرد راپوری را که وزارتخانه ها خواهش او در جهت اصلاحات اداری و اجتماعی تهیه دیده بودند و در آن از یک سیاست اقتصادی اجتماعی بحث شده بود، نظرم را برایش بگویم، راپور را بعد تجدید نظر و اصلاح با همراهی ارغندیوال و ترکی ترتیب و صدراعظم در دوسه جلسهٔ غیر رسمی کابینه اشرا مختص به آن کرد که روز سوم تصویب و بیحی رهنمای سیاستهای اقتصادی و اصلاحات اجتماعی میوندوال شهرت یافت و یخواهش نزد شاه رفت، شاه از تمام جریان کاملاً با خبر بود از پروگرام تمجید کرد و گفت قانون اساسی و این پروگرام لازم و ملزوم یک دیگر اند. میوندوال میخواست مردم را از قید خاندان دیره دونی ها تا حد امکان آزادی بخشد و قدرت را به پارلمان دهد و می گفت شاه باید باشد اما مانند یک چتر که زیر سایه اش همه یکجا باشیم و مثال میداد اروپای شمالی را مانند سویدن دنمارک و ناروی. اما دیره دونی ها قدرت را فقط به خود میدانستند. در یکی از میتنگها در دههٔ قانون اساسی؛ چند جملهٔ ناگفتنی را در پارک زرنگار شعار داده بودند که در روز اول بایک چمدان به کابل آمده بودند؛ امروز از اندوخته های شان بانکها پر شده و در اشاره به پاکستان و جنرال یحیی خان زمامدار نظامی آن کشور؛ فریاد کشیده گفت: لعنت خداوند به یحیی! و آل یحیی! البته همه کنایات و جملات ذوالمعنین را ظاهر شاه شنیده بود و ضمن صحبت به عبدالله ملکیار گفته که به میوندوال بگو مه خو چیزی نمیگم اگر دست اغه لایم برسه (داوود خان) زنده نمی مانیت این حکایت را ظاهر جان شالیزی که با مرحوم عبدالله ملکیار قرابت داشت چندین بار برایم گفته بود.

جناب استاددا کتر حیدر دربارهٔ فرماندهان احمد شاه مسعود یاد آور میشود؛ در جملهٔ فرماندهان های جهادی از همه بیشتر موعفق بافهم و قدرت تشکیلاتی وی استثنایی بود همراهانش تقریباً همه تاجک تبار بودند اما در زمان جهاد یکپارچگی (پایین ستون ۲)

Maaid Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

پروفیسر داکتر ذبیح الله التزام

گلبرت ، اریزونا

حکومت همه شمول یعنی چه ؟

(بخش دوم مقاله): در پهلوی سائر مزایا دو نمره مهم حکومت همه شمول که عبارت اند از انکشاف اقتصادی و ایجاد دموکراسی از طرف کشورهای غربی قلمداد گردیده است . یک ملت غریب معمولاً به یک سلسله نارسایی ها مواجهه میباشند که فراغت از قید آنها یک امر ضروریست . مثلاً غربت، عدم مساوات، تبعیض، سرقت، آدم ربایی، گروگانگیری، تعصب، مهاجرت جبری، خشونت، استثمار، رشوت ستانی، اختلاس، غضب جایداد مردم و ملکیت‌های دولتی از قبیل ادارات، اراضی، ساختمانها، سرکها، پارکها، معادن، ذخایر آب، مراعات و جنگلات و منابع مالی وغیره توسط افراد سارق و سرکش زیاد شایع اند که سد راه پیشرفت و عدالت اقتصادی قرار میگیرند . چنین عوامل منفی خاصاً در حالاتی بیشتر مشهودند که انحصار قدرت در دست یک عده محدود افراد تمرکز یابد و مملکت فاقد شمولیت همگانی باشد .

در یک اداره همه شمول از تقریباً تمام استعدادها بشمول خانمها کار گرفته می شود . مثلاً طبقهٔ انات که بدبختانه در ممالک پسمانده به اندازهٔ زیاد منزوی و گوشه نشین شده اند، یک عامل فوق العاده مهم تولیداتی در اقتصاد بشمار می روند . ایشان در ساحات تدبیر منزل و پخت و پز، توسعهٔ فعالیت‌های حرفوی همچو مرغداری، باغداری، دام پروری، صنایع دستی مثل نساجی، خیاطی، چکنی دوزی، شالبافی، سوزن دوزی، قالین و گلیم بافی، زرگری، در طراحی، مهندسی وغیره، در دکانداری و پرچون فروشی و رستوران داری و شیرینی پزی، هوتلداری و در عملیات طبی و پرستاری، قابلگی، کمپووری، جراحی، دندان سازی، روان پزشکی، معالجهٔ بدنی برای خانمها، نگهداری از کودکان، پرورش سالم اطفال در خانه، رهنمایی خانواده، مراقبت زندانهای زنانه، تعلیم شاگردان در مکاتب و پوهنتونهای دخترانه، تدریس سواد به خانمهای بیسواد، پیشبرد کودکستانها، تدریس از کان دین به اطفال در خانه هایشان، نطقی، پخش اخبار و بعضی اعلانات، وظایف مشورتی و عدلی به صفت و کیل مدافع، استفاده از کمیوتر و دفتر داری، در مسلک امنیتی و ترافیکی، در گمرکات و میادین هوایی بمنظور کومک و هم تلاشی قانونی انات وغیره، و در تجارت و بانکداری ، در امور خارجی در سفارتخانه ها و مجامع بین المللی وغیره، در راه پیشرفت مملکت بطور کل نقش بارز دارند .

پس لازم بلکه الزم است که این طبقه با رعایت احکام دینی مساویانه با مردان در ادارهٔ کشور مستقیماً سهم شوند . در یک دولت همه شمول کوشش بعمل می آید تا حتی المقدور کار به اهل کار از طبقات انات و ذکور سپرده شود تا اراةٔ اقتصاد سریعتر بچرخد و عدالت اجتماعی تأمین گردد .

همچنان دولت همه شمول در کشورهای مرفقی بحیث مقدمهٔ دموکراسی پنداشته شده است . آقای ابرهم لنکلن شانزدهمین رئیس جمهور امریکا دموکراسی را بحیث یک (حکومت مردم، برای مردم و توسط مردم) تعریف کرده است . امامدو کراسی در کشورهای عقب مانده مثل افغانستان به نقش دیوار می ماند .

دموکراسی اساساً از خانه شروع میشود حالانکه در اکثر خانه های افغان روشهای غیردموکراتیک حاکم اند . بطور نمونه، در بعض خانواده ها احترام برای اطفال موجود نیست . اکثر کودکان حق ندارند در مجلس بزرگسالان اشتراک و در محضر ایشان صحبت کنند . در سرویسهای شهری خوردسالان مجبورند جای نشست خود را به بزرگ سالان ایلا دهند . خشونت و تنبیه در مقابل کودکان در کوچه و بازار نیز مروج است .

تعدادی از خشوها و نونها در برابر عروسان فامیل، و مادراندر ها در برابر اطفال اموال های خود عناد میورزند . تعدادی از عروسان پای خشو و ننو و حتی ایورهارا از خانهٔ شوهر خود کوتاه می سازند . یگان شوهر بمقابل خامنش نیز وقتاً فوقتاً از شدت عمل کار میگیرند و حتی لت و کوب هم صورت می یابد و گاهگاه در تهیهٔ اعاشه و ابانه سختی بعمل می آید و یا در مسائل خانه به زن اجازهٔ رأی نمیدهد .

چنین پیش آمدها بالاخره منجر به این میشود که کودکان و خانمها در برابر درگران روش نرم و دموکراتیک اختیار نکنند بلکه در مقابل ضعیفان و محتاجان همواره از شدت عمل و زورگویی و بدبینی کار بگیرند . حتی در مکاتب روش بعضی معلمین در مقابل شاگردان مستبدانه به نظر میرسد .

در بسیاری ادارات دولتی از پیاده و کاتب گرفته تا وزیر رفاه مراجعین را مدنظر نداشته بلکه هر یک از ستیزه و لجاجت کار میگیرد . در محاکم و قشله های عسکری و مخصوصاً در بندی خانه هاهم یگان افراد صلاحیتدار از رتبه و اقتدار خود نفع برداری میکنند و دست به رشوت ستانی و فساد اداری دراز مینمایند . در شفاخانه بچشم خود دیده ام که خدمه در مقابل مریض بستر شده از عتاب و بی پرداختی کار گرفته است .

تعدادی از کارفرمایان در مقابل کارگران و بآداران در برابر نوکران (و در گذشته صاحبمنصبان در مقابل پشکیهای ملازم) از ملاطفت و مدارا کار نگرفته بلکه ایشانرا تمجیز و تحقیر میکنند . بعضی از نویسندگان و نطقان در تحریر و تکلم از دو دشنام و اتهام کار میگیرند و دروغبافی میکنند . رانندگان اکثر آدر سرکهای عام حق الطریق را مراعات نمیکنند و یک هرج و مرج و خطرات را برای عابرین خلق کرده سراسیمگی و خسارات مالی و جانی راسب میگردند و عراده جات باربری و مسافربری زاید از ظرفیت مجاز حمل میکنند و از پرداخت تاوان و جریمهٔ قانونی شانه خالی مینمایند . بعضی اشخاص بدون اعتنا کتافات و زباله هارا بهرجا که دلخواه شان باشد بشمول سرکهای عام بیدریغ انبار میکنند و دگران را مجبور میسازند که باج را بپردازند . دکاندارانی هم وجود دارند که مرتکب گران فروشی یا کم تولی میشوند و یا دوا فروشان ادویه جات را که تاریخ شان گذشته بدون هراس سودا میکنند . در رستورانها و فابریکه های تولید خورا که نظافت مراعات نمیشود که این نوع فرو گذاشت باعث بروز امراض گردیده حقوق مستهلکین را پامال مینمایند . در بعض محاکم بالای شهود ناحق هم اتکاء صورت میگیرد که در نتیجه حق به باطل و باطل به حق تعویض میشود . تقریباً اکثر کاندید های انتخاباتی از رأی دهندگان بیگانه و بیخبراند و بعضی شان به دهات و قصبیات کشور برای مبارزهٔ انتخاباتی نمیروند و تعدادی از رأی دهندگان شناخت کافی از کاندیدها و یافهم کافی از آنچه و نصب العین ایشان ندارند و ایشانرا ندیده یا نمیشناسند . بعضی اشخاص با وسائل جاریه مجهز بوده در سرک عام مرتکب کیسه بری و رهنزی میگردند و باج گیری میکنند و امدستگیر نمیشوند .

پس در یک محیطی که یک اقلیت بپراه یک اکثریت سربراه را استثمار می کند و خود را از خود راضی و اختیار دار کل و حق بیجان می پندارد، دموکراسی شکل نمیگیرد و رنگ و مفهومی را می بازد .

امریکا وسایر کشورها که از افغانستان توقع دموکراسی رادارند درست نمیدانند که در ملک ما تخطی از ارزشها و روشهای دموکراتیک یک رفتار عادی و عوام شمول شده است . به وضاحت دیدیم که پادشاه در رژیم شاهی تنها سلطنت را در اختیار داشت اما در وقت دموکراسی نامنهاد داؤدخان، شخص سردار داؤدخان هم رئیس دولت وهم صدراعظم بود وهم وزیر دفاع وهم وزیر خارجه بود . در سایر وزارتخانه هانیز بدون نظروی کس اجراءات نمی توانست . داؤد خان در عین زمان به نام دموکراسی و جمهوریت حکومت یک حزبی یعنی انحصار سیاسی را به میان آورد و دموکراسی اش صرف به نام بود .

در کنفرانس بن در ماه دسمبر ۲۰۰۱ دانشمند ما پروفیسر سیرت آراء اکثریت حاضرین را بدست آورد اما جناب کرزی که غایب بود انتصاب شد . در وقت داکتر اشرف غنی دو رئیس جمهور حکومت میکردند . هر یکی از ایشان طرف مقابل را به خیانت در انتخابات متهم ساخت و این باعث گردید که حکومت تقسیم دو شود و امریکا وسایر ملل بالای آن مهتر تأیید بگذارند . اصلاً نهال دمو کراسی در افغانستان از ریشه خراب است و عجالتاً نمی روید .

در واقع دموکراسی حتی در امریکا مورد انتقاد قرار یافته است . واشنگتن پست بتاريخ ۱۳ جولای ۲۰۲۳ نوشت که در امریکا از بین ده جوان صرف یک نفر آن نمرهٔ بلند به دموکراسی امریکا میبخشد . همچنان (دی اسوشیت پرس) نوشت که اکثر جوانان امریکا اذعان کرده اند که تطبیق قوانین و پالیسیها در مورد اقتصاد، بودجهٔ دولت، تصاحب و نگهداشت اسلحه، مهاجرت، و سقط جنین، خیلی ضعیف و ناقابل قبول میباشد . علاوهٔ آن نظرسنجیها نشان میدهد که ۵۳ فیصد مردم ادعا کرده اند که اجراءات کانگرس امریکا در تطبیق ارزشهای دموکراسی خیلی ضعیف اند . پس بعضی شواهد گواهی میدهند که حتی در یک کشوری که مؤسس وبانی و تحمیل کنندهٔ دموکراسی خوانده میشود یک حکومت دموکراتیک عاری از ضعف و عیب وجود ندارد .

اصول دموکراسی در یک کشور اسلامی وسنتی مانند افغانستان احیاناً با بعضی احکام شریعت در تضاد واقعست . مثلاً عدهٔ از آیات کلام الله مجید تطبیق دموکراسی را نفی میکنند زیرا صلاحیت اتخاذ تصمیم را از آن خداوند (ج) می دانند و نه از بنده . خوانندگان محترم میتوانند درین باره به آیات مبارکهٔ ذیل رجوع کنند: سوره های مبارک نساء (آیهٔ ۱۴۱)، یوسف (آیهٔ ۴۰) ، کهف (آیهٔ ۲۶)، احزاب (آیهٔ ۳۶)، جائیه (آیهٔ ۲۱) و المنافقون (آیهٔ ۸) ، و یک تعداد دگر . در اینجا باید اضافه کرد که بعضی دساتیر اسلامی تساوی حقوق مسلمان و غیرمسلمان را از یکطرف و تساوی حقوق زن و مرد را از طرف دگر منتفی کرده اند . مثلاً به ارتباط زنهای اعطای اجازهٔ تعدد ازواج به مردان، محدودیت صلاحیت خانمها بحیث شاهد در محاکم ودر وکالت خطها و تصدیق وثایق، اختلاف در تقسیم میراث ، نداشتن اجازه به درخواست طلاق و ممانعت از دواج با مرد غیرمسلمان، و تقاضا به پوشیدن حجاب، نکاتی اند که مرد نسبت به زن تفوق دارد

حالانکه دموکراسی اینچنین اختلافات رانمی پذیرد . در یک نظر سنتی بسیار جامع چندسال قبل که شرکت کنندگان از تقریباً تمام کشورهای مسلمان جهان بودند، در پاسخ سؤالی که آیا قوانین مملکت منطبق به ارشادات شریعت باشد یا نه، ۹۹ فیصد شرکت کنندگان افغان جواب مثبت دادند . از طرف هیچ کشوردگر به این تناسب به طرفداری از شریعت اظهار رأی صورت نگرفت . از آذربایجان ۸ فیصد، قزاقستان ده فیصد، ترکیه ۱۳ فیصد، تاجکستان ۲۷ فیصد و پاکستان ۸۴ فیصد به طرفداری از اختلاط احکام شریعت در قوانین مدنی رأی داده شد . بطور خلص بعرض میرسد که دولت یا حکومت همه شمول را صرف به اشتراک یک عده لیدرهای خودگمارده به نمایندگی جعلی از ملت‌ها و اقوام و احزاب مختلف نمیتوان خلاصه کرد . در افغانستان البته در میان اقوام نسبتاً بزرگ ما مثل پشتون، تاجیک، هزاره ، اوزبک، ترکمن و ایماق افراد صادق و کارآزموده را در بعض شقوق اداری و مملکتداری تا یک اندازه میتوان تشخیص نمود به اساس معیارات قبول شدهٔ شایستگی ایشانرا به کارهای عمده گماشت اما مشکل است ازین اقوامیکه اکثراً از زندگی شهری دور بوده اند مانند بلوچها، اعراب، کردها، پشه یی ها، نورستانیها، قزلباشان، و پامیری ها که بعضی شان حتی تا حال بانک نوت را تشخیص نمیتوانند، افراد سزنده را به سهولت شناسایی و مقرر نمود . حتی درین اقوام نسبتاً رسیده مثل هزاره های شریف اشخاصی به کرسیهای فوق العاده نصب گردیدند که با معیارات تقرر و تبدل سر نمی خوردند . مثلاً آقای عبدالکریم میناق و استاد عبدالکریم خلیلی بحیث وزرای مالیه عزت تقرر حاصل کردند ولی به امور وزارت مالیه آشنا نبودند . این یک حقیقت است که افغانستان بدبختانه به قلت شدید اشخاص کار کشته و متخصص برای کرسیهای مهم دولتی مواجه میباشد . اگر چنین شخصیتها موجود هم باشند پت و گمنام اند و نمیدانیم بکدام وسیله و کدام مقناطیس آنها را از میان سی یا سی و پنج ملیون نفر پیدا و خوش کرد . کار شناسان ما که در تبعیداند دل نمیکنند که بوطن برگردند و شامل کار شوند .

برای اینکه اشتراک گروههای مختلف و متعدد در دولت تا اندازه صورت گرفته بتواند یک تعداد احزاب سیاسی بمیان آمدند که بزعم ما ادعای شان آماده ساختن افراد اقشار مختلف کشور برای اداره آینده مملکت بوده است . اما در ملکی که نفوس آن احتمالاً به سی یا سی و پنج ملیون (شکل چوت انداز) محدود باشد تأسیس ۸۴ حزب یک عمل مبالغه آمیز و غیرمنطقی به نظر میرسد . اینچنین برداشت میشود که در عمل فعالیت‌های بعض احزاب اکتساب قدرت بوده است و نه جلب و پرورش اشخاص مستعد به خدمت وطن و تحکیم وحدت ملی .

علاوه براینکه تطبیق کلی دموکراسی عجلاندر جامعهٔ افغانی عملی نیست، دین مبین اسلام هم از تمام احکام دموکراسی غربی حمایت نمیکند . پس تأسیس یک دولت دموکراتیک همه شمول قسمیکه مدنظر غریبهاست در رژیم اسلامی و سنتی افغانستان جاندارد، اما این ادعا به این معنی نیست که از مقتضیات دولت همه شمول باید بکلی چشم پوشید . در کشور عزیز ما یک قانون اساسی موافق به احکام دین مبین اسلام حتماً باید طرح گردد و از طرف یک لوی جرگه تصویب شود . در قانون اساسی علاوه بر احکام شریعت مبارک بعضی توصیه های قابل قبول قانون اساسی امریکا و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر تا جاییکه با احکام شریعت غرای محمدی و عنعنات اسلامی و ملی افغانها تکر نخورند و قابل تمکین باشند میشود گنجانیده شوند .

تأسیس یک دولت در چوکات چنین یک قانون اساسی به پافشاری مجامع بین المللی بالای دولت همه شمول در رژیم طالبان پایان خواهد بخشید و دگر جایی برای ادامهٔ انکارشان از برسمیت شناختن امارت اسلامی باقی نخواهد ماند، مگر اینکه کدام توطئهٔ در آستین باشد /

مشایخ لوگر

صاحبزاده که از علوم ظاهر و باطن بهره داشت و حلیهٔ خلافت در طریقهٔ نقشبندیه دربر کرده و مانند جد خود عبدالوهاب صاحب زاده مریدنمی گرفت و میفرمود: شرم است در موجودیت مرشد معظم حضرت ضیاء المشایخ، من مرید بگیرم . پسرشان خلیفه صاحب خلیل هم در طریقهٔ نقشبندیه به درجهٔ ارشاد رسیده بود، خدامغفرتش کند. دومین پسر خلیفه صاحب که در سورکلی زرمتم اقامت داشت، ملا میر احمد گل نام داشت. موصوف از علوم ظاهر و باطن حظ وافر داشتند، و فرزندان به نام های ملا فیض و ملا خواجه نور داشتند. بازماندگان شان در ولسوالی ارغنداب زیست می نمایند. سومین پسر جناب خلیفه صاحب، میر محمد گل صاحبزاده که در کوهی کهنهٔ زرمتم اقامت داشتند و در آن دیار سجاده نشین پدر بزرگوارشان بودند . این بزرگوار علوم ظاهر و باطن را از جناب خلیفه صاحب فرا گرفتند. جناب شان دو پسر بنام های ملا سیدنظیم و ملا سید نور داشتند و ملا سیدنظیم دو فرزند بجار رسیده بنامهای ملا سراج الدین صاحبزاده و ملا شمال الدین صاحبزاده مشهور (صفحهٔ ۸)

خواجه محمدنعمیم صدیق وودبریج، ورجینیا

مشایخ لسوگر (۹)

جناب بدرالمشایخ خلیفه صاحب میرعبدالقادر آقا (رح)

هست تا نور ریاضت بزم دین تاریک نیست

ازنگاه گرم ما، محراب روشن می شود

(میرهو تک افغان)

جناب خلیفه صاحب میرعبدالقادر نیز از فرزندان معنوی حضرت محمدآفاق مجددی بوده، دریکی ازخانواده های متدین سادات پیشین بلوچستان متولد گردیده، شجرهٔ نسبی شان ازین قراراست: سیدمیرعبدالقادر، سیدفدا محمد، سیدعطاءالله، سیدمحمدیوسف، سید عمر، سید عیسی، سیدسلیمان، سیدعلی، سیدحسن، سیدفقیر، سیدخلیل الله، سیدیونس، سید ایوب، سیدتایب، سیدنورالدین، سیدعاجز، سید علاءالدین، سیدمحمد، سید احمد، سیدحسان، سیداسمعیل، امام جعفر صادق، سیدعبدالله، سیدحسن، سیدالشهداء امام حسین، علی المرتضی رضی الله تعالی عنهم .

جناب خلیفه صاحب ازطریق حضرت محمدآفاق مجددی به ترتیب ذیل : حضرت محمدآفاق، حضرت ضیاءالله، حضرت محمد زبیر، حضرت محمدصیغث الله، حضرت عروه الوثقی محمدمعصوم، حضرت امام ربانی، صدیق الثانی ابوالبرکات، مجدد الف ثانی شیخ احمد اویسی، فاروقی، کابلی ثم سرهندی میرسد، رضی الله عنهم اجمعین .

جناب خلیفه صاحب حسب هدایت مرشدبزرگوارشان، غرض پخش و اشاعهٔ طریقهٔ عالیةٔ نقشبندیه واشتراک درجهاد برعلیه انگلیسها به صوف برادران افغان خود از دهلی عازم قندهارگردید. بعدازشکست انگلیسها، جناب خلیفه صاحب راجمعی از ارادتمندانش به زرمت پکتیا بردند که درآنجادمحلّهٔ کوهی کهنه رخت اقامت افگند ودرمصاهرات مردم زرمت قرارگرفتند که ثمرهٔ این وصلت سه فرزند بنامهای میرعبدالاحدصاحبزاده، میراحمدگل صاحبزاده ومیر محمدگل صاحبزاده بوده است. جناب شان بعدازگذشت زمانی در زرمت، بنابروعدهٔ قبلی شان بامحمودخان پسرسعیدخان برادرزادهٔ شادبخان (والی کشمیر) که در کشمیر کرده بودند باپسربزرگ شان میرعبدالاحد رو به سوی لوگرنهاد به قلعهٔ شادبخان تشریف فرما شدند. محمودخان وپسران کاکایش ازملکیت شخصی خویش چند جریب زمین مزروعی، باغ وخانه ای برای خلیفه صاحب وقف کردند وتاپایان عمر درهمانجا باقی ماندند ودر پخش ونشرمعارف اسلامی وعلوم شرعی سعی بلیغ نمودند. دروپسرشان میر احمدگل در سورکلی زرمت و میرمحمدگل درکوهی کهنه زرمت بازماندند.

جناب خلیفه صاحب شخصیت بزرگواریست که درحیات وممات شان محل ظهورخوراق زیادی بوده اند.

جناب شان برای تدریس فقه اسلامی درهمین محلی که فعلامرقد مبارک شان است، دو دهلانی را اعمارنموده بود، یکی برای تدریس شاگردان شان و دیگر برای مطالعه وتکراردرسهای شاگردان . که همواره درمقابل دشمنان دین مبین ازدو دهلان اعلان جهاد کرده وعلم مبارک درحرکت آمده درزمان یورش شوروی به سرزمین مردزای افغانستان ازبالای کوه نورابدال بخاطر ویران کردن این ملجاء خاص وعام، روسها ونوکران حلقه بگوش شان نه بمب ناپالم ریختند وراکت باران نمودند ولی به شاخهٔ درخت این مزارپرانوار هم ضرری رسانده نتوانستند.

به سمت غربی مزارمبارک شان مردفقیه بزرگ ودانشمندارجمند (ملافاروق رح) موقعیت دارد که حسب هدایت خودجناب خلیفه صاحب که فرموده بودند: قبراین فقیه بزرگوار را که دانش ودرایت شان مثل گشته، درجوار مرقد من ولی هفت قدم ازقبرمن بسوی قبله جلودر قراردهید. حقا که ملافاروش موصوف تاحدی دانشمندبود که دربین علماء منطقه تاحال مثلی وجود دارد: (کنز خو هرحوک وایی، چی ملافاروق یی ومنی) ویا: تدریس کنز دهن ملا فاروق می خواهد.

میرعبدالوهاب پسربزرگ خلیفه صاحب درقریهٔ حصارک لوگر اقامت گزید، علوم شرعی وعرفانی را ازوالدخود فراگرفته بدرجهٔ ارشاد نایل آمد. غرض تنویرعبدالله راهی شهرایبک سمنگان گردید وبه دعوتگری پرداخت تا اینکه پیک اجل بسراعش رسیدودر همان جا دفن شد .

پسراو دوباره به لوگرتشریف آورده بعداز کسب علوم ظاهری به تصفیه و تزکیهٔ باطن پرداخت. دست ارادت بدامن حضرت شمس الحق (کوهستان) زده مآذون گشت ولی مریدمنی گرفت ومیگفت: آنقدر گستاخ نمی شوم در حیات مرشد اعظم خود عرض وجود نمایم . پنج پسربه نامهای: ملامیرمحمد یعقوب، ملامیرگل احمد، ملاعزیزالله، ملانصرالله وملا حبیب الله ازایشان به یادگار ماند. ملایعقوب دو فرزندبنام ملاحمیدالله وملاعبدالعزیز، ازملاعزیز دوفرزندبنام های ملاعزیزاحمد وملاعبدالحی بازمانده است. ازملا محمدگل یک پسربنام مولوی صاحب فضل احمد(صفحهٔ ۳)

داکتر عنایت الله شهرانی

بلومنگن، اندبانا

داکتر رهین وارث زبان وادب فارسی

جناب پروفیسرداکترسیدمخدوم رهین، زمانیکه دیپلوم باشهادتنامه اش را از میان بکس دستی خودبیرون کرد، وآنراجهت ثبت در زندگینامهٔ علمی اش به عهده دارفاکولتهٔ ادبیات وعلوم بشری دانشگاه کابل نشان داد، فوراًآوازه درافتاد که موصوف ازاستادان جدیدزبان آهنگین فارسی میباشد که از کشور همسایهٔ فارسی زبان یعنی ایران سنددکتورا یا PhDراآورده است.

دانشمندگرامی استادرهین، یالین شخصیت خجسته وبرجسته ازشمار معدودی از فارسی دانان معروف افغانستان بوده که شهادتنامه گرفته درهر رشته، خصوصاً درملک زبان وادبیات فارسی درکشورایران خیلی هامشکل است. چنانچه بیاد دارم زمانی را که یکی ازاستادان فاکولتهٔ ادبیات که لیاقت خیلی خوب درفارسی داشت، به جهت تحصیل درایران فرستاده شده، ولی ادر یونیورستی ایران پذیرفته نشد، بدین قرار :

استادان آن دانشگاهی که استادموصوف درآنجامیخواست تحصیل نماید، طبق سنت یونیورستی های دیگر، خصوصاً درامریکا، یک امتحان شمول رانام «کوالی فای اگزم» میگویند که درآن به مفهوم اطمینان حاصل کردن به سویهٔ محصل میباشد،وآن محصل افغانی را درزیرآزمایش قراردادند. اولین کاری را که انجام دادند آن بود که گفتندیک صفحه راازروی قرآن بخواند. بدیختانه آن استاد درین آزمون ناکام شد وتوانست شامل دانشگاه گردد، چونکه ادبیات قرآنی برادب فارسی تأثیرات فوق العاده زیاد دارد .

آقای داکتررهین سالهای زیادی رامنحیث یک پروفیسربصلاحیت به تدریس سپری نمود ودر کنارخدمات علمی وادبی دردانشگاه کابل، گاهی هم در ادارات دولتی کار کرد ودر بعضی مجالس مهم چون لویه جرگه عضویت داشت.

بوقت ریاست حامد کرزى، محترم داکتررهین به سمت وزیر اطلاعات وفرهنگ عزتقریافت، وما ودوستان باتقررش منحیث وزیربسیاربا احساس و دانا خیالات پرکیف رادرسرمی پروراندیم. اما نه شخص داکتررهین ونه من و نه کسی ازدوستان، بیخبرازآن بودیم که قدرت کشوربدست یکی ازنامردترین شخصیت تاریخ مارسیده است، چونکه اونه به رأی مردم بلکه به مشورهٔ مخفی محمدظاهرشاه خان، باتفاهم وتوافق مقامات امریکاعتین شده بود! داستان تقررحامد کرزى بدین قراراست که شایدازریشهٔ آن بسیاری مردم ما بیخبرباشند. نگارندهٔ این سطور بشمول شش نفر ازافغانستانیها که جناب پوهاند داکترعبدالواحدسرابی سابق وزیرپلان، جنرال هلال الدین هلال سابق معین وزارت داخله وچندی دیگر که جمله هفت نفرمیشدیم وبزعم آقای وولف گینگ استادیونیورستی پریتون ازملیتهای مختلف افغانستان بودیم، دعوت شدیم تانظام آیندهٔ افغانستان رازیرمطالعه قراربدهیم.

این سمینارهفت روزدوام کرد، بروزسوم یاجهارم بود که بعدازتفریح پانزده دقیقه یی برگشیم وبرکرسی های خودنشستیم. شخص نوی رادیدیم که به سمینارما علاوه شده است. اتفاقاً پیش ازاینکه مااز موضوع اشتراک اوپرسیم، خود را چنین معرفی کرد وفرمود که نامش «بوخارر» واز کشور سویزرلند میباشد وتقریبا بیش ازسی سال است که بااعلیحضرت محمدظاهر شاه دوستی ورفت وآمد دارد، که چون موضوع سمینار راشنیده، آمده که وظیفهٔ وجدانش را انجام دهد !

آقای (بوخارر یا بوخرر) افزود که بااعلیحضرت شطرنج بازی هم میکرد، در یکی از روزهااز وی پرسیده یا اعلیحضرت! مردم افغانستان به شماوزعامت تان بسیارعلاقمند میباشد واگرشما شخصا علاقمندنیستید چرااحمدشاه که ولیعهد است، اورانمی فرستیدتا زعامت ورهبری افغانستان رابدست گیرد؟ اعلیحضرت گفت که نه، کرزى بایدبجای او برود وحامد کرزى بهتراست که به رفتن او موافق میباشم.

ازگفتارآقای بوخارر ماعضای سمینار دانستیم که امریکابامتحدانش تقرر حامد کرزى رابه مشوره وپیشنهادمحمدظاهرشاه خان پادشاه سابق افغانستان قبلا فیصله کرده بودند ومجلس بن یک وسیله که به ظاهرمشروع ولی در حقیقت پیش ازآن تعیین گردیده است .

درتمام دورهٔ تاریخ حکومتهای افغانستان، کشوردوبارصاحب دولت هنگفت و ثروت زیادشده بود، یکی درزمان شهنشاهی سلطان محمودغزنوی، ودو دیگر به وقت حکومت کرزى. به وقت محمود، ثروت وخزاین هند وبه وقت کرزى پولهای هنگفت جهان غرب، اما کرزى اینهمه رابه بادفناداد وحیف ومیل کرد.

بهرصورت، درزمان آقای کرزى که دانشمندگرامی داکتررهین بنابرداشتن سابقهٔ خوب مطبوعاتی که شخصیت صاحب آوازهٔ خوب وبلندبود، منحیث وزیراطلاعات وفرهنگ عزتقریافت، اما کرزى کسی بود که قبلادروس تبعیض وسیهکاری های ضدمردمی راوز سیاستمداران کهنه کارخوانده و آموزش دیده بود، ومیخواست کسانى رادر اطراف وکابینهٔ خودیبیاورد تا از نام

نیکی های آنهاپهره های سیاسی بدست آورد.

یکی ازروزهاازجناب استادرهین سؤال نمودم که چراآن یابین کاررا بوقت وزارت انجام ندادی؟ وی فرمود: تومیدانی که دنیا دنیای اقتصاداست، و وزیر مالیه دروقت وزارتش کمترسن بودجه وامکانات مادی رابه وزارت اطلاعات تخصیص می داد. جناب داکتررهین نام وزیرمالیه راگرچه بزبان نیاورد، من آنراآزاد تر وواضح ترمیگویم که آن وزیرمتعصب ومریض مبتلابه فاشیسم محمداشرف غنى احمدزى بود، واوراطوریکه من ازسابق میشناختم درطول عمرنتوانست ازجهان جهالت تبعیض وقوم پرستی برآید، باآنکه بزعم خود مغزمتفکرذوم جهان بود ؟! غنى احمدزى دراویل دههٔ هفتادعیسوی بامن درفاکولتهٔ تعلیم وتریه اسپستان بود، حیف که این شخص بدخصلت باداشتن شهادتنامهٔ داکترى، وزندگی در کشورهای دمو کراسی وشنیدن هزاران بارکلمهٔ «حقوق بشر»، درزیربوغ فاشیسم کار کردواستعداد انسان شدن واقعی رانداشت !

اشرف غنى احمدزى هرگزمنی خواست بودجهٔ رابه وزارت اطلاعات وفرهنگ اختصاص دهد که داکتررهین ازآن به بیداری مردم وجامعه و مطبوعات آزاداستفاده کند. جناب داکتررهین به قراری که معلوم بود، دریک دوراهه قرارگرفته بود، شایدبسیار علاقمندبودازوزارت استعفى دهدومصرفو پڑووش ونویسندگی باشد، ولی ازآن متبرسید که بجای اوجه کسی مقام وزارت مذکوررا بدست خواهدگرفت، آیا کدام بفالو یا کرگدن یا کدام بیمار تبعیضی دیگر!

داکتررهین یالین فارسی دان فرزانهٔ وطن که خودش از اولادهٔ حضرت میر واعظ میباشد، باری شنیده شد که میخواست «کوچهٔ خرابات») نام قدیم آن خواجه خوردک ولی) رابا همه کیفیت های سابقش چون عرس هاوشب نشینی های عرفانی زنده سازد، وخراباتیان ما به روش شیخان وعارفان و سالکان دارالعلم شیراز بریاست حضرت لسان الغیب حافظ وشخ قربت که هفتصد سال پیش مروح بود، دوباره احیا سازند. ولی چه سود که ازیکطرف اقتصاداجازهٔ آترانمی داد، که فرهنگ قدیم احیاگردد وازجنب دیگررئیس کشوره این معنی هاومفاهیم اولاً پی نمی برد وثانیاً اگر میدانست ویاشنیده بود، آنرانمیخواست، چونکه به معنی عرفان وانکشاف آن علاقمندی نداشت.

زمانیکه به جهت رونمایی کتاب تالیفی خودم«شرح احوال وآثارپروفیسر غلام محمد میمنگی» بکابل دعوت شدم، زمان وزارت جناب داکتررهین بود، که معین آن محترم پروفیسر غلام نبی فراهی ومرابه قطع نوارسمینار موظف ساختند تااز یکطرف جناب فراهی وازسوی دیگراینجناب نوار را قطع نمایم، بعدازانجام آن کاربه سالون کنفرانس که درهوتل انتر کانتیننشل بود دعوت شدیم تایابانهٔ پرمحتوای وزیراطلاعات وفرهنگ آقای رهین را بشنوم. بیانیهٔ شان واقعا پرمحتوا بود.

روزدیگربه دفترجناب داکتررهین به غرض یک مطلب خیلی مهم رفتم تا باشدآن مطلب رازوی امربگیرم، وآن موضوع عبارت ازطبع دو کتاب تالیفی ام باعناوین «صورتگران معاصر افغانستان» دردوجلد و«ساز وآواذر افغانستان» در دوجلد، که جناب وزیرفرمان چاپ دهد. استادفرمود که باوجود نبود بودجه دروزارت، هر دو راچاپ خواهیم کرد، چونکه کتابهارزش بلند فرهنگی دارد.

استادرهین بالطف ومهربانی زیاد، چاپ کتابهای دوجلده، شادروان جلال نورانی را که اورا پدرطنزنویسی درافغانستان میدانستیم، ومشاوروزارت بود، توظیف نمودتاهردو کتاب راازطریق دفترمربوطه به چاپ برساندو کتابابه طبع رسید. صدآفرین وصد تشکر ازالطاف آقای رهین.

یکروزبعدازملاقات باجناب استادرهین، بنابدعوت استادان فاکولتهٔ هنرهای زیبادریکی ازمجالس دعوت شدم، گفتند که وزیراطلاعات وفرهنگ درصف اول تشریف دارندومیخواهد که تو درکرسى پهلوی او بروی، وآنطورشد. جناب استادرهین سخنرانی بسیارپرمفهوم ارائه نمودندومن سابقهٔ زیاد با فاکولتهٔ هنرهای زیباداشتم ودیپارتمنتهای موسیقی، تیاتر، تعلیم وتریه، هنر سینماتو گرافی را تاسیس وشعبهٔ هنرهای زیبا رابه فاکولته ارتقا داده بودم، ازآن سبب استادان هنرهای زیبا که اکثرشاگردان من بودند، مرادر آن مجلس دعوت کردند.

پروفیسرداکتررهین که سابقهٔ استادی دردانشگاه وشخصیت اکادمیک داشت، باری هم منحیث دپلمات دردهلی، آنجایی که بیش ازچهل سال جلوسیاست های افغانستان رانگلیسها بدست داشتند، وشاهان ضعیف النفس مابزعم شان خودهارا پادشاهان افغانستان می پنداشتند.هندوستان کشورموسیقی یاسمبول موسیقی شرق شناخته شده است، ایکاش موسیقی درافغانستان پایدار میماند. خوان «ای میری وطن» تانامنگیشکر زعمیم بزرگی طراز نپرو رابه گریان آورده بود. (دنباله درصفحهٔ ۷)

حامیه نادری

فارسی زدایی و عصبیت آشکار قومی «سیاست دوگانه طالبان در قبال زبان های ملی»

پیشینه فارسی ستیزی

سال ۱۳۱۲خ: رسمی شدن زبان پشتو در کشور برای نخستین بار توسط ظاهرشاه. سال ۱۳۱۵خ: برداشتن زبان فارسی از نظام آموزشی و ممنوع اعلان کردن آن و مجبورساختن دانش آموزان به آموزش از راه زبان پشتو. در پی این دستور ظاهرشاه تمام کتاب‌های معارف که به زبان فارسی بود گردآوری شده و در صحن آن وزارت آتش زده شد. دیگر هیچ آموزگار و هیچ دانش آموزی حق نداشت که در صحن مکتب فارسی گپ بزنند.

سال ۱۳۱۶خ: انجمن ادبی کابل دارای مجله‌ای بود به نام «مجله‌ی کابل» که از سال ۱۳۱۰ به زبان فارسی چاپ می‌شد. در سال ۱۳۱۶خ با تغییر نام انجمن ادبی کابل به «پشتو تولنه»، مجله‌ی کابل نیز به «کابل مجله» تغییر نام یافت.

سال ۱۳۱۸خ: در سال ۱۳۱۲ همزمان با بنیان‌گذاری بانک ملی افغانستان، پول‌های زمان ظاهرشاه به چاپ رسید که باز هم متن آن مثل همیشه به زبان فارسی بود، بدین گونه: «خزانه‌ی ملی افغانستان وعدهٔ تادیه‌ی مبلغ[...]. افغانی رابه حامل سندهذا عندالمطالبه می‌دهد.» (اما در سال ۱۳۱۸ پس از ایجاد «دفاعستان بانک» زبان متن پول‌ها از پارسی دری به پشتو تغییر داده شد.

در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ افغانستان، پس از جنجال‌های بسیار سرانجام زبان فارسی را حذف و بجای آن زبان پشتو رسمیت یافت باعث شد که همه اصطلاحات فخر فارسی غیرملی خوانده شود و تنها اصطلاحات رایج در گویش فارسی دری افغانستان پذیرفته شود. در لویه جرگه آخرین قانون اساسی دوره جمهوریت نیز پس از چندین روز تنش، بازهم فارسی زبانها بخاطر مصالح سیاسی کوتاه آمدند و سرانجام در این قانون اساسی تصویب شد که «اصطلاحات ملی» باید محفوظ و غیرقابل تغییر بماند. به تفسیر مخالفان زبان فارسی، هر نوع اصطلاحاتی که در زبان فارسی در ایران استفاده شوند، کاربرد آن در ادارات رسمی، نظام آموزشی و رسانه‌های رسمی افغانستان غیر ملی به حساب می‌آید. اکنون هم، تنها استدلال مخالفان واژه «دانشگاه» این است که این واژه ایرانی است و نباید وارد ادارات و نظام آموزشی افغانستان شود.

سال ۱۳۵۲خ: کودتای داودخان و بنیاد گذاشتن نظام جمهوری در کشور. داود همیشه می‌کوشید تا یک حکومت ملی مدرن را با ایدیولوژی ناسیونالیستی پشتونی ایجاد کند که بر محور پشتون و زبان پشتو بچرخد.

سال ۱۳۵۷خ: سال به قدرت رسیدن نورمحمد تره‌کی. تره‌کی به عام‌ساختن زبان پشتومیکوشید. سال ۱۳۵۸خ: سال بقدرت رسیدن حفیظ‌الله امین بود که او نیز در قبال زبان همان سیاست تره‌کی را داشت. سال ۱۳۵۸خ: درین سال پس از حکومت سه‌ماهه‌ی حفیظ‌الله امین، ببرک کارمل به قدرت رسید که زبان تمام ارگان‌های دولتی را که به فارسی بازگردانید و نشرات نیز در زمان وی کاملاً به زبان فارسی بود.

سال ۱۳۶۵خ: سالی ست که دکتر نجیب به قدرت می‌رسد. او نیز در قبال زبان سیاست کارمل را داشت. دکتر نجیب حتی در کنفرانس جهانی فرانسه که از سوی یونسکو برگزار شده بود – و در آن‌جا از رهبران کشورها خواسته شده بود که به زبان ملی‌شان سخن بگویند – به زبان فارسی سخنرانی کرد.

سال ۱۳۷۱: سال به قدرت رسیدن استاد برهان‌الدین ربانی است. در زمان استاد ربانی برای کشور سرود ملی ساخته شد و این سرود به زبان فارسی بود. قلعه‌ی اسلام قلب آسیا/ جاودان آزاد خاک آریا.

سال ۱۳۷۷خ: سال بقدرت رسیدن ملاعمر است. در زمان سیاه او آنچه می‌توانست جان یک آدم را نجات دهد، بلد بودن زبان پشتو بود.

سال ۱۳۸۱خ: درین سال حامد کرزی بعنوان رییس دولت موقت تعیین شد، ویس ازدوره‌ی موقت دو دوردیگر نیز رییس جمهور شد. کرزی برای از میان برداشتن زبان فارسی، زبان انگلیسی را فدا علم کرد تا زبان نظام آموزشی دانشگاه‌ها شود، با این حساب می‌شد داشته‌های علمی زبان فارسی را برای همیشه قات کرده و کنار گذاشت.

سال ۱۳۹۸خ: اینک غنی احمدزی، رییس جمهور غیرقانونی این کشور می‌خواهد صدسالگی نام قبیله‌ی افغانستان و دولت مستقله‌ی افغانیه را که از پدرانش ارث برده، تجلیل کند. این در حالی‌ست که خارجی‌ها در مذاکرات پشت‌پرده می‌خواهد سرنوشت صلح و جنگ اینکشور را تعیین کند. غنی برای به اهتزاز درآوردن پرچم قبیله‌اش بربرج خلیفه ۲ میلیون دالر هزینه می‌کند و نزدیک به ۱۰ میلیون دالر دیگر تا کنون خرج برنامه‌های پرچم و استقلال شده‌است که سرجمع شود ۱۲ میلیون دالر، درحالی‌که در کشورش چندین میلیون گرسنه نان شب خویش را ندارند. پس از سقوط حکومت اشرف غنی هم، طالبان با ایجاد ارباب و وحشت به «فارسی ستیزی» سرعت بیشتری دادند؛ کارمندان

فارسی‌زبان دوا بر دولتی را اخراج و کلیه متون اداری حکومت خود را بر مبنای زبان پشتو منتشر کردند. که سکوت رهبران ارشد طالبان در قبال این اقدامات است. بدیهی است که این سکوت سیاسی، باعث رشد رویکرد فارسی ستیزی تاریخی در افغانستان می‌شود.

علاوه براین، روبه و سنت سیاسی در افغانستان همیشه این گونه بوده است که رهبری نظام و مقامات ارشد دولت در مناسبت‌های رسمی باید به دو زبان فارسی و پشتو صحبت و سخنرانی کنند. برخلاف این رویه، تمام سخنرانی‌ها و بیانیه‌های رسمی ملا هبت الله آخوندزاده رهبر طالبان، ملا محمد حسن آخوند رئیس دولت طالبان، رهبران ارشد طالبان مانند ملا برادر و سراج‌الدین حقانی در مناسبت‌های رسمی، همه فقط به زبان پشتو بوده است و این در حالی است که بیش از نیم از جمعیت افغانستان را فارسی‌زبان‌ها تشکیل می‌دهند و برخی از رهبران ارشد حکومت طالبان نیز به فارسی مسلط هستند. به نظر می‌رسد که این رویه رهبران ارشد طالبان، نیز زمینه لازم را برای رویکرد و اقدامات فارسی ستیزانه در افغانستان، بیش از گذشته فراهم می‌سازد.

با وجود آنهم اخیراً ملا هبت‌الله آخوندزاده در دیدار با برخی مقام‌های محلی طالبان، آن‌ها را نصیحت کرده که از «تعصب قومی و منطقه‌گرایی» پرهیز کنند. جالب اینست که طالبان افرادی را که از انحصارگری و تمامیت‌خواهی طالبان انتقاد کنند، متهم به تعصب قومی و منطقه‌گرایی می‌کنند. آن‌ها بارها در پاسخ به این سوال که چرا اکثریت اعضای کلیدی طالبان را پشتون‌ها تشکیل می‌دهند، مدعی شده‌اند که برای طالبان، نظر به ارشادات دینی، تقوا، دین‌داری و شایسته‌گی مهم است و قومیت و زبان اهمیت و ارزشی ندارد. گویا همه شایسته‌گی‌ها در وجود اعضای پشتون طالبان گرد هم آمده است.

یکی از موضوعاتی که ادعای طالبان در مورد داعیه دینی داشتن‌شان را نقض می‌کند، این حقیقت است که آنان عموماً فقط با شخصیت‌ها و نمادهایی سر دشمنی دارند که متعلق به اقوام دیگر است. آن‌ها مکرراً عکس‌های مسعود، مزاری و ربانی را پاره یا محو می‌کنند، اما مثلاً با تصویر امان‌الله خان مشکلی ندارند. این در حالی است که اگر بر مبنای تصورات دینی طالبان قضاوت کنیم، امان‌الله خان به هیچ صورت نباید فردی قابل قبول برای طالبان باشد. امان‌الله به شدت طرفدار آموزش و آزادی‌های زنان بود و در دوره حکمرانی‌اش تلاش کرد دست مالاها را از سرنوشت مردم کوتاه و امتیازات آنان را قطع کند.

بعد خارجی:

زبان فارسی تنها با چالش سیاسی داخلی روبرو نیست. چالش سیاسی خارجی در برابر زبان فارسی در افغانستان پیوسته یکی از چالش‌ها در سده‌های اخیر است. نقش روس‌ها و انگلیس‌ها در تضعیف زبان فارسی بصورت کل در منطقه طی سده‌های ۱۹ و ۲۰ موضوع نا آشکار و پوشیده محسوب نمی‌شود. آن‌ها مانند دو تیغهٔ یک قیچی، زبان فارسی را در آسیای میانه، شبه قاره هند و جنوب آسیا قطع کردند. امروز نیز که تمام رسانه‌های غربی به زبان فارسی در تلویزیون و رادیو برنامه بخش و منتشر می‌کنند، از صدای امریکا تا صدای آلمان، صدای روسیه، رادیوی آزادی و حتی بی بی سی، سیاست جدایی زبان فارسی را با دو نام فارسی و دری تعقیب می‌کنند و می‌کوشند تا این جدایی و تفاوت را در یک زبان واحد به نام سه زبان جدا گانه معرفی و ثبت کنند.

نقش سیاسی ایران و سیاست دولتی و رسمی آن برخلاف تصور و بصورت باور نکردنی، در جهت تضعیف زبان فارسی در افغانستان قابل مطالعه و بررسی است. ایران نه تنها به عنوان یک کشور قدرتمند و ثروتمند منطقه و همسایه بر خلاف کشورهای چون ترکیه و عربستان که برای تقویت زبان ترکی و عربی با تمام توان و ظرفیت تلاش می‌کنند، یک دالر را در جهت تقویت زبان فارسی در افغانستان هزینه نکرد، بلکه بر عکس در موضع رسمی و سیاسی خود موجب تضعیف و تخریب زبان فارسی در افغانستان شد. ایران با سیاست انحصار طلبی در زبان فارسی و در نقش برادر بزرگ غاصب در صدد آن شد تا تنها زبان فارسی را به عنوان یک زبان بزرگ تمدنی منحصر به جغرافیای سیاسی ایران بسازد و تمام مفاخر تاریخی این زبان و حوزهٔ تمدنی آن را به خود اختصاص دهد. امروز این انحصار طلبی نامنصفانه به گونه‌ای است که ایرانی‌ها مولوی جلال‌الدین محمد بلخی را با تمام مشاهیر علوم و ادب زبان فارسی که در جغرافیای افغانستان متولد شده‌اند، ایرانی می‌دانند و آن‌ها را در سازمان فرهنگی یونسکو به نام خود ثبت می‌کنند.

مغز متفکر فارسی ستیزی

در قرن نوزده که مفکوره ناسیونالیستی در جهان ایجاد شد و به ترکیه عثمانی، ایران، افغانستان و شبه قاره هند رسید تعدادی از شخصیت‌های پشتون به فکر افتادند زبان افغانی (به معنای پشتون) را در افغانستان رسمی کنند.

ایدئولوگ این مفکوره در افغانستان محمود طرزی بود که در دوره عبدالرحمن به ترکیه مهاجر و همان‌جا با پان‌ترکیزم و اندیشه ناسیونالیزم و تحولات اروپایی آشنا شد. طرزی وقتی در دوره حبیب الله خان به افغانستان برگشت فرصت یافت: اولاً کم‌کم زبان، فرهنگ و ادبیات پشتو را ایجاد کند، چون تا آن موقع چیزی نبود؛ ثانیاً آن را رسمیت ببخشد. رسمیت بخشیدنش هم ساده بود برای این که قدرت در دست پشتون‌ها بود؛ اما نه آن قدر ساده که به یک‌مرتبه انجام شود.

فرهنگ غالب این سرزمین، فرهنگ فارسی بود و خود خاندان طرزی آدم‌های ادیب و تحصیل کرده به زبان فارسی بودند. شاهان سدوزایی که افغانستان را به وجود آورده بودند هم همه‌شان به زبان فارسی پرورش یافته بودند و فرهنگ‌شان فارسی بود. فرهنگ، تاریخ، ادبیات و زبان محاوره و آموزش مردم به طور کلی فارسی بود. برای همین، به صورت مرحله به مرحله برای توسعه زبان افغانی یا پشتو مقدمه‌چینی کرد. این مقدمه‌چینی در روزنامه سراج الاخبار و سراج امانی صورت گرفت و مقالاتی با عنوان زبان و ادبیات نوشت که در مرحله اول، زبان فارسی را و در مرحله دوم ادبیات فارسی (شعر و نثر فارسی) را بی‌ریشه خواند. بی‌ریشه به این معنا که تقلیدی از ادبیات عرب است و از پیش از اسلام سند زنده و موجود برای چه طور بودن شعر فارسی و ادبیات فارسی نداریم. این گونه خواست که زیر پای زبان فارسی را سست و زبان و ادبیات پشتو را محکم کند. این نخستین توجه حکومت‌های پشتون تبار به زبان پشتو در افغانستان است که زمینه‌چینی‌اش از دوران حبیب‌الله و شروع رسمی‌اش از دوره امان الله است.

انگیزه‌های فارسی ستیزی

۱- حب ذات و علاقه‌ی شدید به قوم: این وابستگی شدید عامل بسیاری از خرافات و زشتی‌ها به بهانه‌ای حفظ آداب و رسوم می‌شود. و حجابی در برابر حق و منطقی. همین ویژگی باعث می‌شود که چشم‌ت را در برابر حق ببندی و توانایی دیدن استعدادهایی کسی یا قومی دیگر را نداشته باشی.

۲- پایین بودن سطح فکر و فرهنگ: این ویژگی تا جایی بر آنها فشار می‌آورد که نتوانش را در مقابل جمع بکشند؛ لخت و برهنه از دیگران تنفر جویند

۳- شخصیت زدگی عامل دیگری تعصب و لجاجت است: گاه شخصی در نظر انسان چنان قداست پیدا می‌کند، که گفتار و رفتار او از دایره‌ای نقد خارج می‌شود. هر چند از نظر علمی و اخلاقی در سطحی پایینی قرار داشته باشد. بابا و امیر و متفکر دوم گفته چشم و گوش بسته، جان و مال و وجدان خود را در راه او از دست داده، بی آنکه در محتوای گفتار و رفتار او کمترین اندیشه کنند.

۴- راحت طلبی و تنبلی نیز باعث تعصب و لجاجت می‌شود. زیرا انتقال از وضع موجود به وضع بهتر، نیاز به کوشش و تلاش و پیکار دارد. و راحت طلبان حاضر به استقبال این امور نیستند. به همین دلیل آنچه دارند سخت می‌چسبند و از آن جدا نمی‌شوند. اینجاست که بر وجدان‌ها فشار می‌آورند، که بپذیرند تا کسی با ۲۰ نمره در دانشگاهی بیاید و دیگری با ۳۲۰ نمره حق ورود به آن دانشگاه را نداشته باشد.

۴- انزوایی اجتماعی و فکری یکی دیگر از اسباب تعصب است. وقتی انسان در خودش، محیط فکری و اجتماعی و قومی‌اش فرو برود و از جوامع دیگر و افکار آنها بی‌خبر بماند، نسبت به آنچه در اختیار اوست، سخت وابسته می‌شود. نمی‌بیند که در کتابخانه‌ها، در مقابل هر صد قفسه کتاب فارسی یک قفسه کتاب پشتونیست!

سیاسی کردن موضوع زبان فارسی در افغانستان یک سم مهلک برای یکپارچگی مردم است و سیاستمداران نباید خود را وارد این عرصه کنند و آن را ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های خود کنند، بهتر است این عرصه را به شهروندان و سازمان‌های مردم نهاد واگذار کنند تا سیر تکاملی زبان فارسی در جامعه افغانستان محک خورد و آزمایش شود و خود به پختگی برسد.

منابع

- ۱- کتاب «پارسی دری در سه صد سال اخیر» اثر تهماسبی خراسانی.
- ۲- کتاب «سرگذشت زبان فارسی دری» اثر رهین، رسول.
- ۳- <https://fa.shafaqna.com>
- ۵- [https:// am.media/](https://am.media/)صفحات فضای مجازی (فیسبوک و ای‌کس) پاسداشت زبان ها...

در سال ۲۰۲۷ میلادی که جام جهانی دهم بانوان می‌شود سهمیه تیم‌های ملی زنان فوتبال شامل نقشه هستی از ۲۴ تیم ملی به ۳۲ تیم ملی ارتقا داده شده تا کشور‌های بیشتر در جام جهانی زنان نیز اشتراک کرده بتوانند و به این ترتیب در جام جهانی امسال زنان تیم ملی اسپانیا مقام اول و تیم ملی بانوان انگلستان که برای اولین بار است به فایتل رسیده بود مقام دوم جام جهانی زنان را نائل گردید

(دنباله در شمارهٔ آینده)

بازی تازه اطلاعاتی پاکستان پیرامون افغانستان

پس از آنکه طالبان در افغانستان به قدرت برگشته‌اند شدند، تصور عام براین بود که پاکستان حالا راحت تر به عمق استراتژیک خود رسیده است. حتی بسیاری ها، پاکستان را مالک بلامنازع افغانستان پس از امریکا، عنوان دادند. اما وخامت اوضاع، تحرک بی سابقه تحریک طالبان پاکستانی و گروه های متحد آن، حجم بلند حملات جنگجویان بلوچ و فشار مضاع اقتصادی، بحران سیاسی ناشی از برکناری عمران خان، و تحریم حزب وی که واکنش های را به دنبال داشت، تورم شدید پولی و افت ارزش کلدار پاکستانی در برابر ارز خارجی، میزان بلند و بی سروپای بدهی های خارجی، عدم حرف شنویی طالبان افغانستان از پاکستان مبنی بر وارد ساختن فشار بیشتر برتی تی پی و کم‌رنگ شدن نقش پاکستان در بازی افغانستان پسا امریکا، این کشور را مجبور به باز تعریف دیدگاهایش در مورد افغانستان کرده است. به همین خاطر است که اداره اطلاعاتی پاکستان که مغز متفکر سیاست گذاری های آن محسوب می شود، ترفند های جدیدی را امتحان می کند تا کماکان با حفظ منافع راهبردی اش، دردایره بازی پیرامون افغانستان بماند.

پاکستان از هر طریقی می خواهد نگرانی اش از درک افغانستان که ممکن هرلحظه در دامن هند، ایران، روسیه و چین به طور مطلق سقوط کند، رفع شود. به این ترتیب چندی قبل شایعاتی مبنی بر تشکیل محور جدیدی از بقایای جمهوریت در پاکستان، پخش شد. حالا پاکستان می‌گوید که نیروهای استخباراتی پیشین افغانستان را بازنمی‌گرداند. ظاهرا گفته شده است که پاکستان، ماموران استخباراتی پیشین افغانستان را به دلیل خطرهایی که در کشور خود با آن روبرو هستند، اخراج نمی‌کند. پاکستان که حامی بزرگ طالبان، مدیر برنامه های عملیاتی و جنگی بر ضد نیروهای امنیتی دولت جمهوریت در افغانستان بود و توسط مشوره های استخباراتی و لابی گری های سیاسی، امریکا را متقاعد کرد تا افغانستان را به طالبان بسپارد، حالا تصمیم گرفته است تا با استفاده از این کارت بازی جدیدی را در محور بازی پیرامون افغانستان سازماندهی کند. پاکستان با این ترفند جدید می خواهد تا منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی اش را حفظ کند و هم در محور باقی بماند و حتی هرگونه احتمال ضعیف بی ثباتی سیاسی و امنیتی را منتفی بسازد.

در حالیکه حکومت موقت پاکستان، اخراج یک میلیون و هفتصد هزار مهاجر «غیرقانونی»افغان را از سراسر پاکستان آغاز کرده و به اعتراضات بین‌المللی را در این زمینه توجهی نکرده است، این کار پاکستان، تحلیل ها و تخمین های را در این مورد مطرح میسازد که شماره وار به آن می پردازیم:

اول- اعمال فشار بالای طالبان تا از بیرون شدن از مدار بازی سازماندهی شده توسط پاکستان، اجتناب کنند. در صورتیکه طالبان چنین اشتباهی را مرتکب شوند، پاکستان از قیل می خواهد، گزینه دوم را برای اعمال فشار بیشتر با عین همان تاکتیک حمایت از طالبان، در اختیار داشته باشد. نیروهای استخباراتی افغانستان که بعد از سقوط دولت جمهوریت به پاکستان پناه برده اند، دارای تجربه غنی کار عملیاتی و استخباراتی اند و آزموده شده هستند و با روحیه ضد طالبانی، همواره آماده رویارویی با طالبان. این خود یک تاکتیک پیشگیری از هرنوع سرکشی طالبان است که ممکن در آینده منابع امنیتی، سیاسی و اقتصادی پاکستان را با خطر مواجه سازد؛

دوم- پاکستان نیک‌می‌داند که بخشی از کادر های نظامی نظام جمهوریت را ایران نگه داشته، قسمتی را آمریکا و انگلیس با خویش دارند و قرار است تا در آینده بازی، از این ها استفاده نمایند؛مخصوصا نظامی های که از ولایت های شرقی و جنوبی و حوزه قندهار هستند، به لحاظ زبانی به پاکستان رفته اندو فعلا در زیر کنترل ای اس آی نفس می‌کشند. این می‌توانند در آینده بازی پیرامون افغانستان به یک برگ برنده ای برای پاکستان مبدل شوند. در ضمن، هنوز تخلیه اطلاعاتی از افسران اطلاعاتی افغانستان که به پاکستان پناه برده اند، تمام نشده و پاکستان متوجه این مساله شده است و آن را در دستور کار دارد. به این منظور اخیرا تاجمیر جواد معاون اداره استخبارات طالبان، به اسلام آباد سفر کرده تا با خصوصیت برنامه جدید آی اس آی، آشنایی حاصل کند و مطابق آن، در کابل اجرات نماید؛

سوم- از زمان اعلان اخراج پناهجویان افغانستانی از پاکستان، جامعه جهانی، نهاد های حامی پناهجویان و سازمان های مرتبط با ملل متحد که در عرصه دفاع از حقوق پناهجویان کار و فعالیت دارند، درخواست های مکرری از طالبان داشته اند، تا پناهجویان افغانستانی، مخصوصا آن‌عه از افغانستانی های را که در معرض تهدید مستقیم امنیتی از جانب طالبان قرار دارند، اخراج

نکند. پاکستان با بکار گیری این ترفند جدید، در تلاش است تا از جامعه جهانی امتیاز گیری کند. بنا استتقا قابل شدن برای عدم اخراج ماموران استخباراتی افغانستان، یک نوع امتیاز گیری برای پاکستان، محسوب میشود تا همانطوریکه قبلا تذکریافت از آنها درآینده استفاده نماید و هم از کمکهای مالی سازمان های بین المللی برای التیام زخم های ناسور اقتصادی، بهره ببرد؛

چهارم- ترس و نگرانی پاکستان پس از برکناری عمران خان از قدرت توسط کودتای سفیدی که به کمک ارتش سازمان دهی شد، این است که مبادا داعیه «لر و بر»، منجر به بروز بی ثباتی سیاسی در داخل پاکستان شود. کما اینکه پاکستان اعلان کرده که تا حالا ۱۵ تبعه افغانستان را که عمدتا باشنده های قندهار بودند، دستگیر کرده که در برنامه های مخل امنیت برضد پاکستان سهمیم بوده اند. بنا استفاده از کارت استخباراتی های با تجربه که با روحیه مبارزه برضد طالبان سالها، انجام وظیفه کرده اند، می تواند در مواقع بحرانی به پاکستان در برابر هرنوع اقدام از طرف پشتون ها کمک کند؛

پنجم- پاکستان با این ترفند، برنامه ی دیگری را که گویا «ما نظامی ها را اخراج نمی کنیم» و به این ترتیب با این بهانه کسانی را که هویت خود را معرفی می‌کنند و از سابقه کار خود می‌گویند درحالیکه تا حالا مخفی بودند، نیز افشا شده و متعاقب آن، حلقه نظارت آی اس آی بر آنها تکمیل شده و زیر کنترل کامل آی اس آی قرار می‌گیرند، چون نظامی های سابقه را آی اس آی مرتبط به سازمان اطلاعاتی هند(راو) می‌داند، بنا هنوز هم یک نوع ذهنیت ترس و احساس خطر از آن ها مبنی بر تحرکات احتمالی در داخل خاک پاکستان به اشاره هند، در نزد پاکستان محسوس است.

به صورت مجموعی، میتوان گفت که ترفند جدید پاکستان منبی بر عدم اخراج یک عده زیر نام کادرهای استخباراتی، به صورت مجموعی در محور منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی پاکستان می چرخد و می توان آن را یک برنامه از قبل سازماندهی شده، قلمداد کرد.(فیسوک نویسنده)

مشتاق احمد کریم نوری
سانفراسسکو

پلدشت زلفا حرمت فرهنگها ونوعیت سیلتها

اهدابه محمدیوسف کارگر از همدوره های ما در پوهنتون کابل، فوتبالر کار کشته ، مربی تیم ملی کشور ما و فعلا هم ریس فدراسیون فوتبال افغانستان که در دوره کاری او یکبار تیم ملی کشور ما قهرمان فوتبال جنوب آسیا شد، و یکبار هم نایب قهرمان جنوب آسیا شد و حالا هم در تحت نظر او تیم ملی فوتبال ما اردو زده و مشغول سپری نمودن مسابقات برای راه یابی به جام ملت های آسیا و هم دستیابی به جام جهانی فوتبال آست چون اعضای تیم ملی فوتبال افغانستان که اکثرشان جوانان درخارج از کشوراند. آقای المطیری کوبیتی راکه مدتی سرمربی تیم ملی فوتبال افغانستان بود با او مشکل داشتند و سطح کاری او رادرعرصه فوتبال مدرن نمی دانستند و برنمی تابدند، به همین خاطر در مسابقه اخیر او را از هوتل نماندند تا در میدان حضورداشته باشد بعدا با اعلام استعفا، کار المطیری تمام شد و تازه هم اخبار گردید که فدراسیون فوتبال و ریاست عالی ورزش درحالیکه حافظ زدران معاون کمیته عالی تربیت بدنی حاضر بود ومحمد یوسف کارگر ریس فدراسیون فوتبال و عبدالحق فیضی عضو بورد اجراییه ، با هاشلی مایکل ستو هود انگلیسی قرار داد یکساله بسته اند او به افغانستان رفته و وعده داده که کوشش وتلاشش را میکند تا تیم ملی فوتبال افغانستان در دوره های مقدماتی برای جام ملت های آسیا و دستیابی به جام جهانی فوتبال رانظر به سهمیه آسیابدست آورد. البته باید گفت که قبل از المطیری آقای انوش دستگیر هم مدتی ترینر و یا سر مربی تیم ملی فوتبال بود .

نظر به امانت کار روز نامه نگاری ایجاب می کند و مستلزم آن آست تا از نام ها و تا وحدودی جان مطلب را ارائه نمود. با زنهار داری نیاز آست ولو که در عصر حاضر روی فشرده نویسی و کوتاه گویی هم تأکید گردد . حضرت نبی کریم ص پیامبر گرامی ما می فرماید همنیشنی باید توأم با امانت باشد و سخن چینی و راز را نگه نکردن خیانت است. پس در همه موضوعات زنهار دار بود .

بلی – مباح از جمله زنهار خواران – که یزدان است با زنهار داران جان لاک یکی از فیلسوفان ونویسندگان بزرگ اروپاگفته تصور من همیشه این بوده ، که اعمال انسان مفسر افکار شان آست . چون نشریه امید در طول سالهای خدمت گزاری اش بسا موضوعات ومسائل راحت پوشش قرارداده ازجمله ورزش وسپورت را ، ویادآن زمانها بخیر که جام های جهانی فوتبال و المپیک رادرزمانی‌که هنوزتکنالوجی به اوجش نرسیده بود وسیستم انفجاری دیجیتالی این قدر رخنه نموده بود . به خصوص در دهه های اخیر هزاره قبل مینوشم و عطش اخبارخوانی و اشتراک نمایی اهل مطالعه و خرد دو چندان و چندچندان بود .

نصیراحمد رازی

واژه هاه تصوف در مثنوی شریف

طریق: راه سلوک، طریقت، مسلک تصوف درین مورد . صوفیان باغتنام فرصت و وقت اهمی بسیاری داده اندومعتقدبوده اندک دست ودل درویش باید پیوسته درکارباشد ومناسب حال خودبه وظایف قلبی یا اعمال ظاهری همواره قیام کندونفس رابحال خود بازنگذارد چه درآن هنگام نفس بیکارنمی نشیند وازطریق وسوسه خاطررسالک رامشوش وافکارپربیشان وبیهوده رابروی مسلط میسازدوبکارهای باطل میگمارد وبنابراین صوفی همواره به کاری که درخور است اشتغال دارد ودرآنچه بود یاخواهدبود اندیشه نمی کند ووقت راعزیزترین چیزمیشمارد وبدین مناسبت اورا«ابن الوقت ویا ابن وقته»میگویندومعلوم است که اگرکسی به امید فردا کارامروز رازدست دهد زندگی وفرصت نقد را ازدست داده وبه فرداهم نرسیده است و شایدکه هرگزترسد واگر تسویف ومماطله بردل غالب آید، پیوسته عمربه هدرمیرودوآدمی مانندکسی است که سرمایه راهمواره به نسیه میدهد وچیزی بجای آن نمی نهد ودرنتیجه سرمایهٔ او درنسیه مستهلک میگردد وهیچ چیز برای اوباقی نمی ماند. مولانا درین ایات همین مطلب رایبان میفرمایدکه از اصول مهم طریقت است، این اییات هم نزدیک بدین معنی است:

چون ابن وقت بود دامن پدر گیرد

چه صوفیم که به امید دی وفردایم

مگونام فردا اگر صوفیی

همین دم یکی شو اگرهمدمی

چومرد عشرتی ای جان بکف کن دامن ساقی

چو ابن الوقتی ای صوفی میاور یاد پار ای دل

غزالی نیزدرین موردشرحی بسیارموثر وبیدارکننده دارد(احیاء العلوم)

گفتمش پوشیده خوشتر سرّ یار

خودتو درضمن حکایت گوش دار

خوشرآن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

رازداری یکی ازاصول اولین طریقت است که درآغازسلوک به سالکان می آموزند ومربد باید که رازخود رازهمه کس پوشیده داردتی از بندگریباش وهم اکنون معمول مشایخ است که هنگام بیعت که آنرا«بیعت ولویه»می نامندازنومردان تعهدی به«کتمان سرّ»میگیرند.مولانا درین اییات روش خود رادرشرح اسرار وحقایق و ذکر مقامات یاران خودبیان میکند، اوباتجربهٔ تلخ و زهرآگینی که ازعشق فاش وآشکارخودبه شمس تبریزگرفت، برای آنکه حسد وبد خواهی شیخان وسالکان کوته بین رکه درآن ایام به قونیه بسیار بودند برینگیزددرین کتاب، درجات بلند یاران گزین خودرادرشرح مراتب انبیاوولیای پیشین بیان فرموده وبدین نکته چندجاشارت کرده است، ازجمله:

مدح حاضر وحشتست ازبهراین نام موسی می بردم قاصد چنین ورنه موسی کی روادارد که من پیش تویاد آورم ازهیچ تن (تفسیرمثنوی معنوی، استادبدیع الزمان فروزانفر) دنباله دارد.

قهرمان حبیب(حبیب) قهرمان ورزش رزمی کیک بوکسنگ(اهل چین-روسیه) گفته هرچه بیشترموفقترباشی، دوستان زیاد تری را از دست می دهی، مردم خوش دارند مثل خود شان باشی.

در حالیکه دستآورد های ورزشی به خصوص درعرصه فوتبال ، کرکیت و ورزش های رزمی را که ورزشکاران عزیز ما قدرتمند در میدانهای بین المللی و مسابقات جهانی ظاهر شدند مورد قدردانی و مایه خوشی می دانیم و اینکه بیرق افغانستان را در مجامع بین المللی بلند داشته اند در خور تمجید و سزاوار تکریم می دانیم .

تیم ملی فوتبال افغانستان که برای اشتراک و راه یابی به جام ملت های آسیا و جام جهانی نظر به سهمیه آسیا در حال مسابقات میان دوره یی قرار دارد و خوب هم درخشیده اند، امکان دارد که در جام ملت های آسیا بتواند راه یابند و همین طور چون در سال ۲۰۲۶ که جام جهانی فوتبال برگزار می شود اولین باری است که از ۳۲ تیم جام جهانی با ۴۸ تیم های ملی کشور ها به جام می روند این اقدام (فیفا) فدراسیون جهانی فوتبال به دنبال آن اتخاذ گردید تا رویا های بعضی کشور ها که آرمان شان به جام جهانی فوتبال اشتراک نمودن است متحقق گردد. البته جام جهانی فوتبال مردان که سال قبل ۲۰۲۲درخوزان درکشورقطر برگزار شد ویست و دومین دور این جام جهانی مردان فوتبال بود که هر چهار سال بعدبرگزار میشود و در این جام تیم ملی کشور آرژنتین به مقام قهرمانی رسید . و واقعا قطر با وجود تبصره های منفی که بعضی ازغریبها درقبال مردم شرق دارند یک میزبانی والا وبالا نمود.

حالا که از جام جهانی فوتبال مردان یاد نمودم لازم است که از جام جهانی فوتبال زنان هم یادنامیم که نهمین دور جام جهانی فوتبال زنان امسال با قهرمانی تیم ملی هسپانیه خاتمه یافت البته تیم ملی زنان ایالات متحده در سالهای (دنباله در صفحهٔ ۷)

اخراج از پاکستان در راستای پشتون سازی

اخراج مهاجران افغان از پاکستان آغاز شده و روزانه هزاران نفر اکثراً از قوم پشتون از پاکستان اخراج می شوند. افراد اخراج شده بطور موقت در چندین کمپ مرزی اسکان داده می شوند و بطور یقین این افراد معمولاً در ولایات مختلف کشور در میان دیگر اقوام جابجا می شوند.

هرچند طالبان با واکنش هایی مرموز و ایجاد حساسیت بین المللی با اخراج پناهجویان از پاکستان، میخواهند به سیاست پشتون سازی تمامی ولایات افغانستان را پیاده کنند اما در ظاهر به دفاع از مهاجرین پرداخته و پاکستان را محکوم می کنند. در تازه ترین مورد، ملا محمد حسن آخند، نخست وزیر طالبان با نشر یک پیام ویدیویی، به مساله اخراج مهاجران و پناهجویان از پاکستان واکنش نشان داده است. او در آغاز این سخنرانی می گوید که «درباره اخراج مهاجران از پاکستان باید بگویم که طالبان درد، غم و مشکل مهاجران را درد، غم و مشکل خود می داند و در رابطه به حل مشکلات آنها از همه امکانات کار می گیرد.

نخست وزیر طالبان در ادامه می گوید که به همه ادارات طالبان دستور داده که از همه امکانات برای ایجاد سرپناه، فراهم کردن غذا و درمان مهاجران کار گیرند. او از مقام های پاکستان می پرسد که اگر به اصطلاح شما مهاجران غیرقانونی هستند، تخریب اموال و خانه های آنان و بی احترامی به آنها، این در کدام قانون است؟

علاوه بر نخست وزیر طالبان، ملا محمد یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان و فرزند ملا محمد عمر، بنیانگذار این گروه نیز به اخراج مهاجران و پناهجویان از پاکستان، واکنش نشان داده است. او در نوار صوتی که در صفحه رادیو تلویزیون ملی که اکنون تحت کنترل این گروه فعالیت می کند، منتشر شده، به پاکستان هشدار می دهد که عواقب اخراج پناهجویان افغانستان را بسنجد.

سرپرست وزارت دفاع طالبان میگوید که: «رژیم پاکستان هر کاری که می کند باید عواقب آن را بسنجد و به اندازه ای کشت کند که آن را بتواند درو کند.» او می گوید که ظلمی که بر ما رواست، باید هرچه سریع پایان یابد. جهان، سازمان ملل، نهادهای خیریه و کنفرانس اسلامی، همه باید بر پاکستان صدا کنند که این حالتی که با مهاجران در جریان است، به پایان برسد. با وجود انتقادات گسترده از تصمیم اخراج پناهجویان از سوی حکومت موقت پاکستان، مقام های آن کشور همچنان بر اجرایی شدن این تصمیم تأکید می کند.

تصمیم دولت موقت پاکستان مبنی بر اخراج بیش از ۱.۷ میلیون مهاجر به بهانه دست داشتن مهاجران در حملات تروریستی در پاکستان اتخاذ شده است. پس از این حملات، نهادهای امنیتی پاکستان از دست داشتن شهروندان افغانستان در این حملات، ابراز نگرانی کردند و حتی در یک مورد، وزارت خارجه پاکستان گفت که سه مهاجم یک حمله در این کشور، از ولایت قندهار، خواستگاه طالبان در افغانستان بوده است.

سرفراز بوگتی، وزیر داخله موقت پاکستان نیز حدود یک ماه قبل گفت که در سال جاری میلادی ۲۴ حمله انتحاری در پاکستان انجام شده که عامل ۱۴ حمله، شهروندان افغانستان بوده است. با وجود این، اما انتقادات گسترده از پاکستان وجود دارد که شماری از پناهجویان و مهاجران دارای اسناد اقامت قانونی را نیز اخراج می کنند. هرچند وزیر داخله موقت پاکستان وعده داده است که به نهادهای امنیتی آن کشور دستور می دهد که آزار و اذیت مهاجران و پناهجویان قانونی را متوقف کنند.

از سوی دیگر، با اخراج هزاران مهاجر از پاکستان و بازگشت آنان به افغانستان، نگرانی های گسترده از وخامت وضعیت بشری در افغانستان تحت کنترل طالبان وجود دارد.

در همین حال، سازمان ملل و دیگر کشورها و نهادهای بین المللی با سیاست متخذه طالبان و پاکستان همراه شده خواسته یا ناخواسته به ظاهر سازی پشتون سازی تمام افغانستان کمک می کنند. استیفان دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل متحد در یک نشست خبری گفت که نهادهای مختلف مرتبط با این سازمان، در حال گفت و گو با دولت پاکستان در این زمینه هستند. دوجاریک افزود، براساس ارزیابی های صورت گرفته، بیشتر مهاجرین افغان در پاکستان نمی خواهند به کشورشان بازگردند. اما دولت پاکستان آنها را به زور اخراج می کند.

شماری از نهادهای امدادگران بین المللی نیز دایه مهربان تر از مادر شده در اعلامیه ای مشترک هشدار دادند پناهجویان افغان که از پاکستان اخراج شده اند جایی برای زندگی ندارند. شورای پناهندگان ناروی، شورای پناهندگان دانمارک و کمیته بین المللی نجات با اشاره به سرعت اخراج پناهجویان افغان از پاکستان هشدار دادند، پناهجویان افغان پس از اخراج از پاکستان جایی برای

داکتر رهین ...

چون جناب استاد رهین شخصیت فرهنگی، هنردوست و به زیبایی شناسی دست بالا دارد، آرزومند بودم کتابی را که بعنوان «ملکه قلب ها، لثامگیشگر» نوشته بودم و در کابل به طبع رسیده بود، بحضور حضرت استاد رهین به سفارت افغانستان در هندرفته، سپس شخص لتای فقید رادر رونمایی کاب دعوت نمایم، واحسرتا که آن کار صورت نگرفت.

سالها پیش جناب استاد رهین نوشته دنباله داری راباعنوان «سوغات کابل» و اینک درباره «حجت خراسان حکیم ناصر خسرو» بسیار پر کیف بامعلومات دقیق، در همین جریده امید مینویسد که خیلی هاجالب و آموزنده است. نویسنده این سطور در بدخشان تولد یافته ام و حضرت ناصر خسرو در دره «بمگان» آن ولایت خفته است. از مطالعه مقالات استاد موصوف سخت لذت میبرم. یاد دارم زمانی را که کتاب «بمگان» مزار ناصر خسرو (تالیفی استاد خلیلی راتعلیق و تحشیه میبستم، از استاد دانشمند جناب رهین سودویاری گرفته بودم.

من و دیگر دانشگاہیان واقف هستیم که جناب پروفیسر داکتر سید مخدوم رهین تالیفات زیاد دارد، آنچه که در قطار تالیفاتش نمی بینم عبارت از خاطرات دوره کارش با ناجوان و نامردترین شخص چون حامد کرزی میباشد. اگر بنویسد شاید از امهات کتابهای عصر حاضر بشمار آید. چونکه آلودگی هادر آن دوره و بعد آن بسیاری حساب بود. مرحومان سید قاسم رشتیا، عبدالحکیم طیبی و غلام حضرت کوشان بحد توان یادگارهایی گذاشته اند، چه میشود درین وقیقه صاحب انرژی و دور بختگی قرار دارند بنویسد و بنویسد و مردم را آگاه بسازند.

در خاتمه میخوام بگویم که استاد رهین از شخصتهای غنیمت وطن بوده، در قطار بزرگان ادب فارسی چون استاد جاوید، استاد مجروح، پوهاند مجددی، پوهاند الهام، پوهاند میر حسین شاه، پوهاند حبیبی، استاد و اصف باختری و چندی دیگر قرار دارند. در آرزوی طول عمر استادگرامی پروفیسر داکتر سید مخدوم رهین. /

زندگی ندارند. این نهادهای امدادگران بین المللی با توجه به افزایش و اخراج سریع پناهجویان افغان از پاکستان، از تمام نهادهای امدادگران خواسته اند تا برای حل مشکلات و جلوگیری از بروز بحران جدید، بودجه فراهم کنند.

آمار این نهادهای بین المللی نشان می دهند که در حال حاضر روزانه بین ۹ هزار تا ۱۰ هزار پناهجوی افغان از پاکستان به کشورشان باز می گردند.

بر اساس اعلامیه نهادهای امدادگران بین المللی، در شرایطی پناهجویان به افغانستان اخراج می شوند که اوضاع این کشور وخیم است و حتی برخی از پناهجویان مجبور شده اند برای هزینه حمل و نقل اسباب و لوازم خود را به فروش برسانند. این نهادها تصریح کردند که زمستان در راه است و پناهجویان همچنان بی سرپناه هستند. آنها به حمایت های فوری بین المللی نیاز دارند.

از اینها که بگذریم، یک نکته قابل توجه است و آن اینکه منافع برخی کشورها در کمک کردن و به قدرت رساندن پشتون نیست ها در کشور ما میباشد. در همین راستا سال ها است که با بازی دادن افکار جهانی به پشتون سازی افغانستان کمک کرده اند. از ورود پشتون های پاکستانی گرفته تا جابجایی دیگر پشتون ها در ولایات غیر پشتونی..

سیاست پشتونی از ادعای اکثریت جمعیتی گرفته تا جابجایی پشتون های پاکستانی در افغانستان و اینک اضافه کردن پشتونهای باقیمانده در پاکستان به جمعیت پشتونی کشور، افغانستان یکپارچه در تصرف یک عده قومگرای متعصب با خواسته برخی قدرت های جهانی و همسایه های افغانستان قرار می گیرد.

خواسته یا ناخواسته این پلان قدرت های دیگر در راستای حفظ و گسترش منافع شان است و اصلاً برای آنها مهم نیست که بر سر مردم فقیر پشتون و دیگر اقوام کشور چه می آید. (نقل از شبکه اطلاع رسانی افغانستان)

باسداشت زبان ها...

۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ قهرمانی جام بانوان جهانی را بدست داشت ولی امسال از گردونه مسابقات قبل از رسیدن به فاینل حذف شد این جام در کشور های آستریا و نیوزیلاند برگزار شد البته شایان یاد آوری می دانم که تا جام جهانی امسال بانوان سهمیه همه کشورها صرف بیست و چهار تیم ملی از کشورهای جهان بود که با پشت سر گذاشتن مسابقات رفت و برگشت و کسب موفقیت جز این ۲۴ تیم می شدند ولی در جام جهانی بعدی زنان، در سال ۲۰۲۷ میلادی که جام جهانی دهم بانوان می شود سهمیه تیم های ملی زنان فوتبال شامل نقشه هستی از ۲۴ تیم ملی به ۳۲ تیم ملی ارتقا داده شده تا کشور های بیشتر در جام جهانی زنان نیز اشتراک کرده بتوانند و به این ترتیب در جام جهانی امسال زنان تیم ملی اسپانیا مقام اول و تیم ملی بانوان انگلستان که برای اولین بار است به فاینل رسیده بود

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰ دالر - یکسال (۸۰ دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵ دالر - یکسال (۹۰ دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰ دالر - یکسال (۱۰۰ دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

زلزله پیوندی با گناه ندارد

این فعالیت ها به نحوی در طول اراده طراح بازی قرار می گیرد، ولی مسئولیت را از بازی کنان رفع نمی کند، زیرا دست شان را در فعالیت داخل بازی باز می گذارد. اگر یکی از بازی کنان پس از باختن مسئولیت باخت خود را به گردن طراح بازی بیندازد ادعایش پذیرفتنی نیست زیرا در بازی امکان برنده شدن نیز در نظر گرفته شده است، چنان که بازی کننده دیگر توانسته است برنده شود. طبق دیدگاه معتزلی، خدا طراح جهان است، اما به انسان و به دیگر موجودات هستی و بزرگی ها و توانایی هایی داده است که در درون این طرح امکان تحرک داشته باشند و هر چند نمی توانند قواعد طبیعی را تغییر بدهند، اما در درون این قواعد امکان های فراوانی برای حرکت دارند و می توانند از کارهای زشت یا از حوادث زیانبار اجتناب کنند.

طبق دیدگاه اشعری اما، خدا هم بازی را طراحی کرده و هم خودش نشسته و شب و روز بازی می کند، و هم به هیچ کسی اجازه ورود به بازی را نمی دهد، بلکه همه موجودات را مثل مهره های شطرنج به حرکت در می آورد، یکبار مهره ای به نام آدم و یکبار مهره ای به نام شیطان، ولی او تنها بازی گر این صحنه می ماند و طبعاً همیشه هم برنده است. طبق این دیدگاه، کسی که آدم می کشد، یا دزدی می کند، در حقیقت خودش نقشی ندارد بلکه خداست که همه این ها را مقدر کرده، هر چند برای کاری که به انجامش مجبور بوده عذابش هم می کند! بدون شک مبحث جبر و اختیار و قضا و قدر پیچیده تر از این است، و از هزاران سال پیش محل گفتگو بوده است، اما این اشاره می تواند ما را به فهم متفاوت و نسبتاً معقول تر آن کمک کند.

ما نیاز داریم به سخن علم گوش دهیم و جهان را بر اساس یافته های علمی بشناسیم و هر گاه به فهم بهتری از جهان رسیدیم، که حتی اگر کامل ترین فهم از جهان نباشد دست کم کامل تر از فهم بطلمیوس و یونانیان قدیم است، آن گاه باید به سراغ بازسازی سامانه های الهیاتی خود برویم تا خداشناسی ما با اخلاق، عقل و یافته های علمی سازگاری پیدا کند. الهیات کهن زاده سطح دانش و عقلانیت جهان قدیم بود و امروزه با تنگناهایی جدی رو به روست. در صورتی که امروزه بر پایه دانش های نو، فاعلیت عامل انسانی و عوامل طبیعی به رسمیت شناخته شود، این به معنای نفی اراده خدا نخواهد بود و از صلاحیت های او در جهان نخواهد کاست، بلکه حریم او را از اعمال زشت و غیر اخلاقی مبرا نشان خواهد داد. اگر مومنان تصویری اخلاقی مدار از خدا داشته باشند راه اخلاقی زیستن شان هموار می شود و اگر چنین نباشد اخلاق از دیانت کوچ خواهد کرد. /

راه و رسم فرمان روایان...

در ساحت تقویه دانش مجاهدین و تربیه کودکان نیز اقدامات جدی برداشته بود حتی در زمان جهاد و مشکلات زیاد در مناطق تحت کنترل خود بهترین مکاتب را داشت. استخبارات بسیار موعفقی را در داخل حکومت کمونستی کابل ایجاد کرده و پرتیرترین موعفقی های نظامی مسعود در مجادله با کمونیزم بود.

پاکستان کوشش میکرد تا با رشوت دادن به قوماندانها، مسعود را تضعیف کند اما موعفقی نشد. منتها قوماندان های حزب حکمتیار مشکلات خلق میکردند متار که با روسها در ۱۹۸۳ امضا کرد پایگاه عملیاتی خود را به شمال انتقال داد و روابط خود را با امریکا انگلستان و فرانسه قایم نموده بود و به زبان فرانسوی به سهولت سخن میگفت کمکهای فرانسه، سویدن و در اواخر کمکهای امریکا راجلب نموده بود.

فرانسوی ها برای شناخت وی به سوبه جهانی سهم بودند. نویسنده ۱۹۹۴ بدعوت آمر صاحب توسط احمدولی مسعود و داکتر عبدالله که به جنوب کالفرنیا آمده بودند به کابل رفته و چند روز را با آمر صاحب سپری نمودم. و دروی یک کریزمای تبارز داشت. /

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 32, Issue No. 8, NOVEMBER 21, 2023, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسامبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون (۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱) mkqawi471@gmail.com 12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

زلزله پیوندی با گناه ندارد

اگر کسی جهان را به این شکل ببیند و بشناسد، طبیعتاً خداشناسی او هم فرق خواهد کرد، اما قبل از آن تصویر بطلیموسی و پیازوار جهان در ذهنش فرو خواهد ریخت، زیرا در خواهد یافت که نه آسمان اولی وجود دارد و نه آسمان هفتمی و نه فلک نهمی، و در نتیجه نه عرش را باید به آن معنای ظاهری فهمید و نه قرار گرفتن خدا بر عرش را که از ظاهر برخی از آیات دانسته می شود. خوش بختانه شماری از عرفا و دانشمندان مسلمان از قدیم، حتی پیش از دست یافتن به دانش های جدید، معنای عرش، کرسی و جهان ماورایی را به گونه ای دیگر فهمیده بودند و معنای ظاهری آن ها را قبول نداشتند، زیرا می دانستند که چنان تصویری از خدا او را دارای مکان و برخوردار از ویژگی های فیزیکی و جسمانی نشان می دهد که درخور شأن الهی نیست. آنان به این جهت عرش و کرسی را به مراتب معنوی وجود تأویل کرده بودند، و خوش بختانه کافر هم نشده بودند!

اگر کسی جهان را با وسعت کنونی اش بفهمد، حتی اگر نوبت به جهان های موازی و جهان های چند بعدی هم نرسد، که به جای خود از فرضیه های جدی در دانش امروز است، می داند که جهانی با این بزرگی تابع قوانینی است که با دانش و پژوهش عقلی قابل شناسایی است. در این صورت رابطه چنین جهانی با خدا و آفریدگارش مورد بازنگری و بازتعریف قرار می گیرد و دیگر آن جهان کوچک پیازی نیست که تصور شود خدا به صورت انسان وار در بالا نشسته و روزانه مشغول مدیریت و گرداندگی یکایک حوادث ریز و درشت است.

بر اساس جهان شناسی جدید، آفریدگار هستی، از دید کسانی که به او ایمان دارند، جهان را بر اساس قواعدی ثابت اما روندی دینامیک و پویا طراحی کرده است که کنش و واکنش عناصر مختلف تشکیل دهنده آن به پیدایش وضعیت های نو، از نظر عرفا «خلق جدید» می انجامد، و تا اکنون که بیش از سیزده میلیارد سال از آغاز انفجار بزرگ گذشته است هنوز این فعل و انفعالات ادامه دارد، و چه بسا که انفجارهای بزرگ دیگری پیش از آن اتفاق افتاده باشد و یا در آینده اتفاق بیفتد. این را انشتین طراحی هوشمند جهان می نامید.

نظام دینامیک جهان، طبق این نوع از خداشناسی، تجلیگاه اراده خدا است، اراده ای که خود را از طریق قوانین کیهانی نشان می دهد، و در واقع همین قوانین خود اراده خدا هستند. چنین خدایی نیاز ندارد که همانند دیکتاتورهای کوچک به روش مایکرو منجمنت روی آورد و لحظه به لحظه در مدیریت ریز و کوچک جهان دخالت کند. همین ایده را به زبان دین زیر عنوان «سنت های تکوینی الهی» بیان می کنند، و ریشه آن در خود قرآن است که می گوید: «و لن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا» (سوره فاطر، آیه ۴۳) یعنی در سنت خدا نه تبدیلی خواهی یافت و نه تغییری.

سنت در قرآن به آن معنایی که ما امروزه از واژه سنت می فهمیم نیست، بلکه به رویه ای ثابت اشاره دارد که معادل قوانین طبیعی است. طبق این دیدگاه، هر برگی که از درختی جدا می شود و بر زمین می افتد بر اساس قانون جاذبه است که یکی از سنت ها یا قوانین طبیعی اوست. از این رو دیگر قوانین طبیعی نیز که بر نظام فیزیکی جهان حکم می رانند همه مظاهر و تجلی گاه اراده آفریدگار هستند، و مشیت او را به تصویر می کشند. به عبارت دیگر، اراده خدا قانون مند است و دچار آشفتگی و بوالهوسی نیست که هر دم سمت و سوی بی ضابطه بگیرد.

این دیدگاه بردوپایه استوار است، یکی پایه ایستیمولوژیک و معرفت شناختی که با علم و عقل سازگار است، و دیگری پایه اخلاقی که عدالت را امری بنیادی در کاینات تلقی می کند و خدا را از هر گونه ظلم و اعمال نابخردانه منزله می انگارد. پایه این دیدگاه را مسلمانان عقل گرا مانند معتزله و شماری از فیلسوفان و عارفان مسلمان نهادند.

در طرف مقابل، دیدگاهی قرار دارد که آن را مکتب کلامی اشعری در تاریخ تولید کرده و امروزه در میان مسلمانان به دیدگاه مسلط و غالب تبدیل شده است. طبق این دیدگاه، خدا مانند حاکم دیکتاتوری است که نه به عدالت پایبندی دارد و نه این قدر تحمل و ظرفیت دارد که به هیچ کسی و هیچ چیز دیگری اجازه بدهد تا دارای نقش و اراده ای در جهان باشد.

از این رو اگر برگی از درختی جدا می شود تنها زمانی این اتفاق می افتد که خداوند خود مستقیماً تصمیم می گیرد که آن برگ را از درخت جدا و به طرف زمین سرازیر کند. یعنی هیچ کس و هیچ چیزی در جهان دارای اراده و فاعلیت مستقل نیست. از آن جایی که نامعقول بودن این نظریه از دور هویدا بود، خود ابو الحسن اشعری متوجه شد که هیچ آدم عاقلی نمی تواند آن را بپذیرد و در نتیجه نظریه کسب را پیش کشید که با فرق نهادن میان خلق و کسب، این تناقض را برطرف کند، اما یوسف قرضاوی نوشته است که نظریه کسب اشعری در میان متکلمان به چیستان شباهت پیدا کرده و آن را «لغز اشعری» یعنی معمای اشعری نامیده اند. این دیدگاه جبرگرایانه است و مسئولیت را از انسان ها و موجودات سلب می کند و همه کارها را به تقدیر پیشینی و اراده مستقیم خدا ربط می دهد. چنین دیدگاهی مرز ظلم و عدل را از میان بر می دارد و هر کاری را در حق خدا جایز می داند حتی اگر کشتن اطفال بی گناه و رها کردن ستمگران به حال خود شان باشد.

بر اساس چنین دیدگاهی است که پرسش هایی بر مبنای پدیده شر به میان می آید و بحث های فلسفی پیچیده ای را در پی می آورد که اگر خدا خیر مطلق است پس این همه شر در جهان او چه می کند؟ اگر او قدرت دارد که جلوشرو را بگیرد و نمی گیرد، مهربانی او چه معنا دارد؟ و اگر قدرت ندارد که جلوشرو را بگیرد توانایی او چه معنا دارد؟ البته به این پرسش ها پاسخ هایی گوناگون داده شده است، چه از سوی شماری از عارفان مسلمان و چه از سوی متکلمان مسیحی و یهودی، اما این پاسخ ها نتوانسته است به این دعوها خاتمه بدهد زیرا شر و فاجعه دامن زندگی بشر را رها نکرده و علاوه بر مصیبت های فردی که روزانه هزاران و میلیون ها مورد اتفاق می افتد، فاجعه های بزرگی مانند سونامی و زلزله و مانند این ها نیز همچنان مایه تباهی فراوان در زندگی انسان ها می شود. ریشه تمام این پرسش ها اولاً به تصویر انسان وار از خدا بر می گردد و ثانیاً به نظریه جبرگرایانه اشعری.

کسانی که نمی توانند بیرون از چارچوب تفکر اشعری به خدا و جهان نگاه کنند دانسته یا ندانسته هم اخلاق را ملغا می کنند و هم عقلانیت را، و در نتیجه به دام خرافه و یواه گویی در می افتند. نسبت دادن فاجعه های طبیعی مانند زلزله به خشم خدا از همین دست است، که گویا خدا از گناهان انسان ها عصبانی می شود و از روی عصبانیت دست به کارهایی وحشتناک و ویران گر می زند. آنان از خود نمی پرسند که اگر قرار باشد انسان ها در همین دنیا جزای گناهان خود را ببینند پس آخرت برای چیست؟ همچنان آنان از خود نمی پرسند که اگر قرار باشد به خاطر چند تا معصیت که آدم ها مرتکب می شوند خشمش به این شدت برافروخته شود چرا این خشم را متوجه مجرمان بزرگتر نمی کند؟ وقتی که او قادر مطلق است و حتی افتادن هر برگ درخت را خودش مدیریت می کند، چرا شهاب سنگی را مستقیم به جان کسی که مثلاً قرآن مجید را آتش می زند نمی فرستد، و به جایش مردمی را به خشم خود گرفتار می کند که صدها مسجد داشته اند و نماز می خوانده اند؟ در جواب می گویند که وقتی عذاب او می آید خشک و تر را می سوزاند، یعنی خشم او فرقی میان گنهکار و بی گناه نمی گذارد و همه را به یک سرنوشت مبتلا می گرداند. آنان نمی دانند که سوختن خشک و تر کار آدم عاقل نیست چه رسد به خدای عادل و حکیم. وقتی پیرسید که این کار عادلانه نیست، می گویند به کسانی که بی گناه قربانی شده اند در آخرت تاوان می دهد. این را نمی سنجدند که به جای تاوان دادن در آخرت چرا در همین جا دقت نمی کند تا چنین اعمال زشتی اتفاق نیفتد؟ آیا کار خدا از روایات امریکایی نیز خام تر است که وقتی ایمن ظواهری را هدف گرفت صبر کرد که تا او به روی بالکن خانه بیاید و کنار زن و فرزندش نباشد و سپس موشک را فیر کند تا خانواده اش که مقصر نبودند آسیب نبینند؟ یعنی خدا به اندازه یک تراشه کامپیوتری که در حافظه یک هواپیمای بی سرنشین یا یک موشک هدایت شده قرار داده شده است در کار خود دقت ندارد؟ اگر کسی خود را از چنگ اشعری اندیشی رهایی ببخشد در خواهد یافت که این تصویر از خدا به هیچ صورت درخور شأن او نیست، بلکه مناسب حال چنگیز و هیتلر و ملا عمر است و او را تا سطح جنرال پینوشه و میلوسویچ پایین می آورد.

راه معقول این است که خدا را از چنین زشتی هایی منزله فرض کنیم، و همان طور که عظمت کاینات او را می بینیم عظمت بی کران او را دریابیم و بپذیریم که او جهان را به خوبی دیزاین کرده است، اما فعل و انفعالات جهان ممکنات، عالم اصداد، با عوارضی جانبی همراه است که لازمه یک وضعیت دینامیک، رو به تکامل و در حال گسترش است، و در این روند عوامل گوناگون طبیعی فاعلیت دارند و بر کارکرد آن ها نتایجی مرتب می شود که گاهی برای بخشی از موجودات زیانبار و ویرانگر است.

می ماند این که چرا در قرآن مجید، و حتی در کتاب های مقدس دیگر ادیان، برخی از حوادث طبیعی به گناهان انسان ها ربط داده شده است. اگر ربط اعمال را با نتایج آن ها به صورت فردی در نظر بگیریم ایراد مهمی پیش نمی آید، زیرا تناسب عمل و جزا امری اخلاقی و عادلانه است و آن را می توان بخشی از قوانین تکوینی خدا دانست. این شعر مولانا اشاره به همین حالت دارد:

این جهان کوه است و فعل ما ندا/ هر ندا را باز می آید صدا
این امر ناظر به حالات فردی اعمال و نتایج آن هاست که محل مناقشه نیست، چه نتایج آن در این دنیا نمایان شود و چه در دنیای دیگر. مناقشه بر سر پیوند دادن حوادث طبیعی به سرنوشت انسان هایی است که اصلاً جرمی نکرده اند، و پرسش از «مستله خدا و شر» در همین زمینه به میان می آید. در همین راستا، شماری پرسیده بودند که چرا در قرآن مجید برخی از فاجعه های طبیعی مانند طوفان نوح و غیره به مثابه عذاب های گروهی اقوام قدیم به ازای گناهانی که کرده بودند معرفی شده است؟ در باره این پرسش بحث های الهیاتی فراوانی وجود دارد که این نوشته گنجایش پرداختن به آن ها را ندارد، اما یکی از تاویل های معقولی که شماری از متکلمان بر اساس کلام جدید مطرح کرده اند مربوط به مبحث زبان دین می شود. بر اساس این دیدگاه، زبان دین زبان موعظه و اصلاح اخلاقی انسان هاست، و برای چنین هدفی، به ویژه اگر آنان در مراحل عقب مانده عقلی و علمی قرار داشته باشند از داستان های رایج در فرهنگ شان برای ترساندن شان استفاده شده و تفسیری از آن ها به دست داده می شود که با این هدف همخوانی داشته باشد. یعنی صرف نظر از این که آن حوادث واقعا به آن شکل اتفاق افتاده است یا نه، تفسیر ایمانی از آن حوادث معطوف به اصلاح اخلاقی انسان هاست.

یعنی در زبان دین اصل قضیه این نیست که آن حادثه اتفاق افتاده است یا نه، اما از آن جا که آن قصه ها در فرهنگ عامیانه مردم به عنوان حقایق مسلم تلقی شده است، از آن ها برای هدفی اخلاقی استفاده می شود، نه به سبک رویدادهای تاریخی. به عبارتی آن قصه ها تمثیلی است و کارکرد دیگری دارد. بحث زبان دین را باید جداگانه و در جایی دیگر شرح داد تا این موضوع بهتر دانسته شود.

برای این که نظریه متکلمان معتزلی در باره رابطه خدا و جهان بهتر قابل درک شود از یک مثال ساده استفاده می کنم. ما می توانیم کارکرد دینامیک جهان را به یکی از بازی های کامپیوتری تشبیه کنیم، هرچند جهان بسیار پیچیده تر است و بازی های کامپیوتری نمی تواند همه این پیچیدگی را نشان بدهد، با آن هم به عنوان یک مثال ساده می توان آن را به کمک گرفت. وقتی که کسی به طراحی یک بازی کامپیوتری اقدام می کند برای آن امکان هایی را در نظر می گیرد که بازی کنندگان بتوانند امکان برد و باخت داشته باشند. در اینجا بازی کنندگان در بردن و باختن مسئولیت دارند، اما هم بردن و هم باختن تابع قواعدی است که طراح بازی در آن تعیین کرده است، و بازی کنندگان نمیتوانند بیرون از امکان های نهفته در درون این بازی دست به کاری بزنند. از آن جایی که همه فعالیت بازی کنان در چارچوب قواعدی است که طراح بازی در نظر گرفته است (صفحه ۷)

مشایخ نوگر: به بابا گل صاحب داشتند. در اطراف

مزار جناب خلیفه صاحب مقبره بزرگی از نواده های حضرت سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه وجود دارد، که راقم این سطور هم مربوده همین خانواده می شود. خداوند متعال روح همه شان راشاد داشته باشد.